

درس ۱

«إِنَّ قَلَمَ الْعَالِمِ وَ لِسَانَهُ هُمَا أَفْضَلُ الْجُنُودِ الَّذِينَ يَسْتَطِيعُونَ أَنْ يُدَافِعُوا عَنْ ثِقَافَةِ بِلَادِهِمْ بِأَحْسَنِ طَرِيقٍ!»: خارج ۱۴۰۰

۱) قلم و زبان عالم سربازانی اند که قادرند از فرهنگ سرزمین خودشان به زیباترین طریق دفاع نمایند!

۲) قلم عالم و زبان او همان سربازان برترند که می توانند به نیکوترین راه از فرهنگ کشورشان دفاع نمایند!

۳) قلم عالم و زبان او بهترین سربازانی هستند که می توانند از فرهنگ کشور خود به بهترین روش دفاع کنند!

۴) قلم و زبان دانشمند همان سربازانی هستند که می توانند به روشی نیکو از فرهنگ سرزمینهای خویش دفاع کنند!

«مَنْ أَفْضَلُ الطَّرِيقِ لِاكتشاف كَذِبِ الْأَشْخَاصِ هُوَ مَقَايِصَةُ مَا يَقُولُونَهُ هَمَا يَفْعَلُونَهُ!»: زبان ۱۴۰۰

۱) آنکه بهترین راه را برای پیدا کردن اشخاص دروغگو دارد همان است که گفته آنها را با عملشان مقایسه کند!

۲) از بهترین راه ها برای کشف دروغ افراد همان مقایسه چیزی است که می گویند با چیزی که بدان عمل می کنند!

۳) کسی که بهترین راهها را برای کشف دروغ افراد دارد، آنچه را آنها می گویند با آنچه به آن عمل می کنند مقایسه می کند!

۴) بهترین راه برای یافتن دروغگویی اشخاص عبارتست از مقایسه سخنی که می گویند با چیزی که بدان عمل می کنند!

«لَا تَكُونَنَّ مِمَّنْ يَتَجَسَّسُونَ حَتَّى يَكْشِفُوا أَسْرَارَ النَّاسِ لِفُضْحِهِمْ ، وَ هَذَا مِنْ أَقْبَحِ الصِّفَاتِ لِلْإِنْسَانِ!»: زبان ۱۴۰۰

۱) هرگز از کسانی مباش که جستجو می کنند تا اسرار مردم برای رسوائی شان فاش شود، و این از بدترین صفتها برای انسان است!

۲) از جمله کسانی مباش که تجسس می کنند تا اینکه اسرار مردم برای رسوائی شان کشف شود، و این عمل از زشت ترین صفات انسان است!

۳) از کسانی مباش که برای کشف کردن اسرار مردم بخاطر رسوا شدنشان تجسس می کنند، و این از قبیح ترین صفتها نزد انسان است!

۴) هرگز از جمله کسانی مباش که تجسس می کنند تا اسرار مردم را برای رسوا کردنشان کشف کنند و این عمل از ناپسندترین صفات برای انسان است!

«إِنَّ الصُّوْمَ مِنْ أَهَمِّ الْعَوَامِلِ الَّتِي تُؤَثِّرُ فِي حَيَاةِ الْكَائِنَاتِ الَّتِي تَعِيشُ فِي أَعْمَاقِ الْمُحِيطَاتِ!»: خارج ۱۴۰۰

۱) نور از عوامل مهمی است که تأثیرش در زندگی موجوداتی که در اعماق اقیانوسها بسر می برند حتمی است!

۲) قطعاً نور از مهمترین عواملی است که در زندگی موجوداتی که در اعماق اقیانوسها زندگی می کنند اثر می گذارد!

۳) نور از مهمترین عواملی است که تأثیر آن در موجوداتی که در اعماق اقیانوسها بسر می برند قطعی است!

۴) قطعاً نور از عوامل مهمی است که در زندگی موجوداتی که در اعماق اقیانوسها زندگی می کنند تأثیر دارد!

«هُوَ أَسْتَاذٌ عَالِمٌ فِي هَذِهِ اللُّغَةِ فَجَادِلْهُ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ لِأَنَّهُ أَعْلَمُ مَنْ فِي هَذِهِ الْبِلَادِ!»: خارج انسانی ۱۴۰۰

۱) او استاد دانشمندی در این زبان است، پس با او با آنچه نکوتر است بحث کن زیرا او داناترین کسانی است که در این کشور هستند!

۲) او استادی دانشمند در این زبان است، لذا به نیکوترین شیوه با او بحث کن زیرا او داناتر از کسانی است که در این کشور هستند!

۳) او استادی فاضل در این زبان است. پس بحث با او باید به نیکوترین چیز باشد چه او داناترین کسانی است که در این کشور می باشند!

۴) او استاد فاضلی است، در این زبان، لذا باید با او به روشی نیکو بحث علمی کنی چه او داناتر از آنهاست که در این کشور می باشند!

«هُوَ أَقْرَبُ شَخْصٍ لِي وَ إِن كَانَ بَعِيداً مَنِّي مَسَافَاتٍ!»: خارج ۹۹

۱) او شخص نزدیکی به من است هر چند که مسافتهایی از من دور شده است!

۲) او اگر چه مسافتها از من دور شده است ولی شخص نزدیکتر به من اوست!

۳) نزدیکترین فرد به من کسی است که از من مسافتهایی دور شده باشد!

۴) او نزدیکترین فرد به من است اگرچه از من مسافتها دور باشد!

«قَرَرْتُ مَعَ أُخْتِي الصَّغْرَى أَنْ نَذْهَبَ غَدًا رَأْسَ السَّاعَةِ التَّاسِعَةِ وَ النِّصْفِ إِلَى المْتَحَفِ لِمُشَاهَدَةِ الأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ!»: زبان ۹۹

- ۱) با خواهر کوچکم قرار گذاشتیم فردا سر ساعت نه و نیم برای بازدید از آثار باستانی به موزه برویم!
- ۲) من با خواهر کوچکترم قرار گذاشتم؛ سر ساعت نه و نیم فردا به دیدار آثار باستانی موزهها برویم!
- ۳) من و خواهرم صغری قرار گذاشتیم رأس ساعت نه و نیم فردا به مشاهده آثار تاریخی موزهها برویم!
- ۴) با خواهر کوچکترم قرار گذاشتم که فردا رأس ساعت نه و نیم برای مشاهده آثار تاریخی به موزه برویم!

« إِنَّ الفَّخَّورَ يَمْشِي مَرَحًا وَ هَذَا مَوْذُجٌ تَرْبِوِيٌّ لِمَنْ يَتَعَلَّمُ الأَدَبَ مَمَّنْ لَيْسَ لَهُ أُدَبٌ!»: اختصاصی ۹۹

- ۱) فخر فروش راه رفتنی متکبرانه دارد ولی برای آنکه ادب را از بی ادبان می آموزد نمونه ای تربیتی است!
- ۲) فخر فروش خودخواهانه راه می رود و این الگویی تربیتی است برای کسی که ادب را از کسی می آموزد که ادب ندارد!
- ۳) فخر فروش نوع راه رفتنش خودخواهانه است ولی برای آنکه ادب را از کسی که ادب ندارد یاد می گیرد، یک نمونه تربیتی است!
- ۴) فخر فروش چون متکبران راه می رود و این نمونه تربیتی برای کسی است که ادب را از کسی که در و ادب نیست آموخته است!

«إِنَّ عَقَائِدَنَا هِيَ الَّتِي تَدْعُونَا إِلَى أَحْسَنِ الأَعْمَالِ أَوْ أَسْوئِهَا وَ تُبْعِدُنَا مِنَ الخَيْرِ أَوْ الشَّرِّ!»: خارج ۹۸

- ۱) همانا این عقاید ماست که ما را به بهترین اعمال یا بدترین آن دعوت می کند و ما را از خوبی و بدی می راند!
- ۲) عقاید ماست که ما را دعوت به اعمال نیک یا زشت ترین آنها می کند و ما از خوب بودن و بد بودن دوری می کنیم!
- ۳) همانا عقاید ماست که برای ما خوبترین کارها و زشت ترین آنها را می خواند و ما از خوبی و بدی دوری می کنیم!
- ۴) بی تردید عقاید ماست که ما را به نیکوترین کارها یا بدترین آنها فرا می خواند و ما را از خوبی یا بدی دور می کند!

«أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ المَوْعِظَةِ الحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بآئِي هِيَ أَحْسَنُ»: تجریدی ۹۸

- ۱) به راه پروردگارت با حکمت و موعظه نیکو دعوت کن، و با آنان با آنچه نیکوتر است مجادله کن!
- ۲) به راه خدای خود به وسیله دانش و پند نیکو فراخوان، و با آنان به وسیله سخنان خوب و زیبا مقابله کن!
- ۳) دعوت به راه خداوند باید با حکمت و موعظه پسندیده باشد، و با آنان با هرچه نیکوتر است مجادله کن!
- ۴) فراخواندن به راه خدای خود را از طریق پند و اندرز، زیبا انجام بده، و با آنان با شیوه ای بهتر مقابله کن!

عین الصحیح: زبان ۱۴۰۰

- ۱) خیرِ إخواني مَنْ أَقْرَبَ إِلَيَّ مِنِّي: بهترین برادرانم نزدیکترین کس به من هستند!
- ۲) اعلم أن أقوى سلاحك قدرة الكلام و لينة: میدانم که نیرومندترین سلاح تو، قدرت سخنان و نرمی آن است!
- ۳) أكبر الغني اليأس عما في أيدي الناس: بزرگترین بی نیازی ناامیدی از چیزی است که در دستان مردم است!
- ۴) أنت أعلى و خلقك الحسن أثقل شيء في الميزان: تو بلندمرتبه ترینی و اخلاق نیک سنگین ترین چیز در ترازوی تو است!

عین الخطأ: اختصاصی خارج ۹۹

- ۱) إن الصبر على أصابنا، يجعلنا من الصابرين: آن صبر که در مصائب به ما دست می دهد، ما را از صابران می گرداند!
- ۲) نَه الطِّفْلُ الَّذِي يَتَقَرَّبُ مِنَ النَّارِ وَ لَا يَعْرِفُ حَظَرَ ذَلِك: کودکی را که به آتش نزدیک می شود و خطر آن را نمی داند نهی کن!
- ۳) تصعير الخد عند الغضب علامة من علائم المعجبین بأنفسهم: روی برگرداندن چهره هنگام خشم علامتی از علامتهای خودپسندان است!
- ۴) إذا نشاء أن نَعْمَرَ الحِكْمَةَ فِي قَلْبِنَا فَعَلِينَا أَنْ نَكُونَ متواضعين: هرگاه بخواهیم که حکمت در قلبمان ماندگار شود بر ما است که متواضع باشیم!

باشیم!

« یک ساعت تفکر بهتر از هفتاد سال عبادت است! » عین الصّحیح: ریاضی ۹۹

۱ (تفکر ساعةٍ خیر من عبادة سبعین سنة!)

۲ (الساعة في التفکر أفضل من سبعین سنة العبادات!)

۳ (التفکر في الساعة خیر من العبادة من سبعین السنّة!)

۴ (ساعة واحدة من التفکرات أفضل من سنة سبعین من العبادات!)

«در ترازو چیزی سنگین تر از خوی نیکو نیست!» عین الصّحیح: هنر ۹۹

۱ (ليس الشيء في ميزان أثقل من حُسن الخلق!)

۲ (في ميزان الشيء ليس ثقیل مثل حسن الأخلاق!)

۳ (في الميزان ليس شيء ثقیل من الأخلاق الحسن!)

۴ (ليس شيء أثقل في الميزان من الخلق الحسن!)

«عالم ترین مردم کسی است که علم مردم را بر علم خود افزود!» عین الصّحیح: تجربی ۹۹

۱ (أعلم الناس من جمع علم الناس إلى علمه!)

۲ (الأعلم الناس من قد یجمع على علمه علم الناس!)

۳ (الأعلم من الناس الذي یجمع علم الناس إلى علمه!)

۴ (أعلم من الناس هو الذي قد جمع إلى علمه علم الناس!)

عین ما لیس فيه اسم التفضیل: هنر ۱۴۰۰

۱ (إن التفکر خیر من أي شيء حتى العبادة!)

۲ (إن الجماعة خیر من الوحدة فعليکم بالجماعة!)

۳ (إن الطفل الصّغير يرى كل خير في أمه و يلجأ إليها!)

۴ (قد تكون جملة قصيرة خيراً من جملة طويلة لیان نظرتنا!)

عین ما فيه « اسم التفضیل » أكثر: ریاضی ۱۴۰۰

۱ (أعوذ من الشرور بأحسن الخالقین!)

۲ (أشرف الناس من يكون رؤوفاً للأسرة!)

۳ (أحب أوسط الأمور لأنها خير الأعمال!)

۴ (أفضلکم من هو ألین و ألطف للآخرین!)

عین ما فيه اسم التفضیل: تجربی ۱۴۰۰

۱ (لا خير لنا في مصاحبة الإنسان الكذاب!)

۲ (ما تقدّموا لأنفسکم من خير تجدوه عند الله!)

۳ (جهز نفسك لشر الأشياء و عليك أن ترجو خيرها!)

۴ (جعل الله في كل نعمة خيراً إن لم يُبدلها إلى شر!)

عین ما فيه اسم التفضيل أقل: زبان ۱۴۰۰

۱ (إن الخوف من الأم أسوأ من نفس الأم!

۲ (لا تنتظر النظرة الحسنى، اعملها، سيجيء لك خير منها!

۳ (إن الأم الذي يضطرك إلى السكوت أثقل من استغاثتك بأعلى الأصوات!

۴ (إن الذين ينصحونك لأفضل الأمور هم الذين جربوا شر ظروف الحياة غالباً!

عین ما ليس فيه اسم التفضيل: خارج ۱۴۰۰

۱ (بني المدير سداً بخير الأشياء من الحديد و النحاس!

۲ (خير الصدقة علم نتعلمه و نعلمه الآخرين في حياتنا!

۳ (عليكم بالجماعة لأن الكثير خير من القليل لأداء الأعمال!

۴ (في كل شيء خير و جمالاً لا تشاهدهما إلا أن تتبهما إليهما!

عین کلمة « خير » أو « شر » ليست اسم تفضيل: اختصاصی خارج ۱۴۰۰

۱ (خير الناس من يساعد الآخرين في حاجاتهم اليومية!

۲ (إن تلوث الهواء شر و هو من المهذدات النظام الطبيعة!

۳ (إن السعادة بعد الغلبة على المصاعب عمل خير للإنسان!

۴ (هجمت الفتران على المزارع، و هذا العمل من شر المخربات للطبيعة!

عین ما ليس فيه اسم التفضيل: تجرئی ۹۹

۱ (أكبر حيوان نراه حولنا هو الفيل!

۲ (يجب أن ترى الآخرين أحسن منّا!

۳ (أحسن إلى الناس كما تريد أن يحسنوا إليك!

۴ (أكره الأعمال لقطع التواصل بين الناس هو الغيبة!

عین وزن «أفعل» ليس اسم تفضيل: زبان ۹۹

۱ (السكوت أبلغ كلام مقابل الجاهل!

۲ (هذه السورة أعظم السور في القرآن الكريم!

۳ (من أحسن إليك فأحسن إليه، و هذا العمل حسن!

۴ (الغنى الأكبر اليأس من كل ما في أيدي الآخرين!

عین ما ليس فيه اسم التفضيل: هنر ۹۹

۱ (هو في حياته أهدى مني كثيراً!

۲ (بكلامه اللين سمعنا أهدى الكلمات!

۳ (صديقي أهدى إلي كتاباً من مكتبته!

۴ (أهدى عمل نعرفه، هو بالعمل لا بالكلام!

عین ما فيه اسم تفضیل: اختصاصی ۹۹

۱ (لِنَبْتَعِدَ عَنِ الْأَعْمَالِ الَّتِي تَجْعَلُ الْأَرَادِلَ يَحْكُمُونَ عَلَيْنَا!

۲ (أَحَبُّ صَدِيقِي الَّذِي يُفَكِّرُ فِي أَعْمَالِهِ وَ أَسَالِيهِه دَائِمًا!

۳ (كَتَبَ التَّلْمِيزُ وَاجِبَاتَهُ مُتَأَخِّرًا فَمَا أَرْضَى مَعْلَمَهُ عَنْهُ!

۴ (أَسْخَطَ الصَّبُورُ الشَّيْطَانَ بِحِلْمِهِ أَمَامَ الْمَشَاكِلِ!

عین وزن «أفعل» لیس اسم تفضیل: اختصاصی ۹۹

۱ (أَسْعَى الشَّبَابُ، أَخْبَرَنَا بِنَتِيجَةِ سَعْيِهِ!

۲ (إِنَّ زَمِيلِي حَسَنًا أَحْسَنَ إِخْوَتِهِ فِي الْعَائِلَةِ!

۳ (أَهْدَى أَخِي عِيُوبِي إِلَيَّ بَعْدَ مَا أَصْلَحَ نَفْسَهُ!

۴ (زُرْتُ أَطُولَ الْكُهُوفِ الْمَائِيَةِ مَعَ أَحَبِّ أَصْدِقَائِي!

عین کلمه «الشر» لایمکن آن تكون اسم التفضیل: خارج ۹۹

۱ (جَهَلْنَا شَرَّ أَعْدَائِنَا إِنْ نَعْرِفَهُ!

۲ (إِنَّ الْيَأْسَ شَرَّ الْأَشْيَاءِ لِتَخْرِيبِ حَيَاةِ الْبَشَرِ!

۳ (لَا شَرَّ إِلَّا أَنْ يَمْكُنَ دَفْعَهُ بِالْتَّدْبِيرِ!

۴ (الشَّرْكَ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ الْأَعْمَالِ الَّتِي تُبْعِدُنَا عَنْهُ!

عین ما لیس فيه اسم التفضیل: ریاضی ۹۸

۱ (أَتَقِي النَّاسَ مِنْ لَا يَخَافُ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ!

۲ (كَانَ مِنْ بَيْنِ أَصْدِقَائِي مَنْ هُوَ أَنْجَحَ التَّلْمِيزِ!

۳ (أَعْلَمُ أَنَّ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ فَهُوَ عَلِيمٌ!

۴ (إِنَّ اللَّوْنَ الْأَبْيَضَ أَحْسَنَ لَوْنٍ لِأَلْبَسَةِ الْمَمْرُضَاتِ!

عین ما لیس فيه «اسم التفضیل»: زبان ۹۸

۱ (أَفَاضَلْنَا مَنْ يُحِبُّونَ الْعِلْمَ وَ يَعْلَمُونَ بِهِ!

۲ (أَحَبُّ الْمُعْلَمِينَ الَّذِينَ يَنْفَعُونَ النَّاسَ بِأَعْمَالِهِمْ!

۳ (حَسَنَ الْخَلْقِ أَثْقَلَ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ عِبَادِهِ!

۴ (أَحَبُّ إِخْوَانِنَا مَنْ يُرْشِدُونَنَا إِلَى فَهْمِ عِيُوبِنَا بِكَلَامٍ لِينِ!

عین کلمه «الخير» لیست اسم التفضیل: هنر ۹۸

۱ (الْخَيْرُ فِي مَا وَقَعَ!

۲ (خَيْرُ النَّاسِ مَنْ يَجِبِرُ نَفْسَهُ عَلَى الْخَيْرِ!

۳ (خَيْرُ الْأَعْمَالِ أَوْسَطُهَا!

۴ (أَحَبُّ أَنْ أَقُومَ بِخَيْرِ الْأَعْمَالِ فِي الْحَيَاةِ!

عین ما فيه اسم التفضيل: انسانی خارج ۹۸

۱ (السَّخِيَّ أكرم هؤلاء الفقراء!

۲) أنا أعلم أنّ هذا ليس مفيداً!

۳ (هو عصى ربّه فندم على عمله!

۴) الإجابة الحسنى تتعلّق بأخي!

عین الخطأ (في التفضيل): انسانی ۹۸

۱ (لا شك أنّ لغة القرآن أبلغ من جميع اللّغات الأخرى!

۲ (إنّ أختي الصّغرى هي التلميذة الكبرى في الصّف!

۳) معلّمونا في المدرسة من أفاضل معلّمي البلاد!

۴) هذه التلميذة صّغرى من زميلاتنا في الصّف!

عین الخطأ عن اسم التفضيل: خارج ۹۸

۱ (الحديقة الصّغرى مع الأشجار المثمرة أحسن من الحديقة الكبرى من دون الأثمار!

۲ (الإخوان الذين يساعدوننا في أمورنا الصّعبة خير إخوان في حياتنا!

۳) إنّ الأعمال التي نعملها لكسب الحلال فضلى من بقية أعمالنا!

۴) ساعات تكفّرنا في اليوم الواحد أقلّ من نومنا عادةً!

عین ما فيه اسم التفضيل و اسم المكان معاً: رياضى ۹۹

۱ (إنّ بعض المتاجر مفتوح إلى نهاية اللّيل!

۲) رأيتُ مكتبة في مدينتنا كانت من أكابر مكاتب العالم!

۳ (نحبّ أن نشترى ما نريده بثمن أرخص و نوعية أعلى!

۴ (يجب أن يكون لون جدار المطابخ خاصّة في الأماكن العامّة أبيض!

عین ما يدلّ على المكان: اختصاصى ۹۸

۱ (هو من مقاتلينا!

۲) يمشون فى مساكنهم!

۳) هو من مفاخر أمتنا!

۴) مصالح الأمة نحفظها!

درس ۲

﴿... مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْقَدِنَا، هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ﴾: خارج انسانی ۱۴۰۰

۱) کسی که ما را از مرقد خود بیرون آورده، همان است که خدا وعده آن را داده بود، و مرسلین راستگو هستند!

۲) کسی ما را از آرامگاهمان برانگیخت، او همان است که رحمن به ما وعده داده بود، و پیامبران راستگو هستند!

۳) چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت. این همان است که خداوند رحمن وعده داده و رسولان راست گفته اند!

۴) آنکه ما را از قبرهایمان بیرون آورده و این همان چیزی است که خداوند وعده داده است و پیامبران مرسل راست گفته اند!

«الصَّديقُ الحَقِيقِيُّ هُوَ الَّذِي يَقْبَلُ عَذْرَكَ وَ إِذَا تَعْمَلُ عَمَلًا خَطَا يُسَامِحُكَ وَ لَا يَذْكُرُكَ بِسُوءِ فِي غِيَابِكَ»: دوست حقیقی همان کسی است که...هتر ۱۴۰۰

۱) عذر خواهی را می پذیرد و به وقت انجام کار اشتباه تو را بخشیده و در نبودت ذکر بدیت را نمی کند!

۲) عذرت را پذیرفته و هنگامی که عمل خطائی انجام دهی تو را می بخشد و در نبودت تو را به بدی بخاطر نمی آورد!

۳) عذر تو را می پذیرد و هرگاه کار اشتباهی انجام دهی تو را می بخشد و در غیاب تو، از تو به بدی یاد نمی کند!

۴) عذر خواهی تو نزد او پذیرفته است و آنگاه که خطایی انجام دهی از تو می گذرد و در غیبت تو، بدیت را بخاطر نمی آورد!

«از دوستی کردن با دروغگو بپرهیز، که او چون سراب است!»: انسانی خارج ۹۹

۱) احذر المصادقة للكاذب، فهو كسراب! ۲) إِيَّاكَ وَ مَصَادِقَةَ الكَذَّابِ، فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ!

۳) ۱ حذر أن صادقت الكاذب، فهو سراب! ۴) إِيَّاكَ أَنْ تَصَادِقَ الكَذَّابِ، لِأَنَّهُ السَّرَابُ!

عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ التَّالِي: «لَا يَعْرِفُ قِيَمَةَ النِّعَمِ إِلَّا مَنْ حَلَّتْ بِهِ الْمُصِيبَةُ!»: اختصاصی ۹۸

۱) (و اللّٰه ما رأينا حبًّا بلا ملامة! ۲) سَلِ الْمَصَانِعَ رَكْبًا تَهِيْمُ فِي الْفُلُوَاتِ!

۳) (فكم مُرَّرَ عَيْشِي وَ أَنْتَ حَامِلٌ شَهِد! ۴) وَ قَدْ تَفْتَشُ عَيْنُ الْحَيَاةِ فِي الظُّلُمَاتِ!

عَيْنُ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ: اختصاصی خارج ۹۸

۱) «جمال المرء فصاحة لسانه»: زبان در دهان ای خردمند چیست کلید در گنج صاحب هنر!

۲) «الوحدة خير من جليس السوء»: دوستی با مردم دانا نکوست دشمن دانا به از نادان دوست!

۳) «إضاعة الفرصة غصة»: بودم جوان که گفت کرا پیر اوستاد فرصت غنیمت است نباید ز دست داد!

۴) «ما قسم الله للعباد شيئاً أفضل من العقل»: خرد بر همه نیکوئی‌ها سر است تو چیزی مدان کز خرد برتر است!

عَيْنُ اسْمِ الْفَاعِلِ يَكُونُ خَيْرًا: انسانی ۹۹

۱) (بعد مدّة قليلة أصبحت هذه الأشجار المثمرة جميلة!

۲) إِنَّ الْمَشَاكِلَ لَا تَسْتَطِيعُ أَنْ تَهْزِمَ الْإِنْسَانَ الْمُتَوَكِّلَ عَلَى اللَّهِ!

۳) (التَّلَامِيذُ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ بِوَأْجِبَاتِهِمْ قَادِرُونَ عَلَىٰ أَدَاءِ جَمِيعِ أَعْمَالِهِمْ!

۴) كان جماعة من المسافرين يُشاهدون المناظر الجميلة من داخل القطار!

عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْمُ مَبَالِغَةٍ: خارج ۹۹

۱) (الكذّاب كالحفّار يقع في حفّره يوماً! ۲) (هذا العلامه كأنه مصباح في الأرض!

۳) (يا أَيَّتُهَا النَّفْسُ اللّٰوَمَةُ أَرشِدِينِي إِلَى الْحَسَنَاتِ! ۴) (الزّوّار هم الذين يَصَلُّونَ لِيُشَاهِدُوا اللَّهَ فِي قُلُوبِهِمْ!

عَيْنُ مَا يَدَّلُ عَلَىٰ أَنَّ الْمَبْتَدَأَ يَقُومُ بِالْعَمَلِ كَثِيرًا: اختصاصی خارج ۹۸

۱) ذلك خَلِيقٌ كَرِيمٌ! ۲) ذلك مخلوق عظيم! ۳) هو الخَلِيقُ العَلِيمُ! ۴) هو الخالق البصير!

درس ۳

«لا أدري ما هو نسيج زعانف الأسماك، ولكنني أعلم أنها تُساعد بعض الأسماك على الحركة و بعضها على الطيران»: اختصاصی ۱۴۰۰

۱) می دانم بافت باله ماهیان از چیست، اما می دانستم بعضی ماهی ها را در حرکت و بعضی را در پرواز کردن کمک می کند!

۲) می دانم چه چیزی در بافت باله ماهیها هست، ولی می دانم در حرکت بعضی ماهیها و پرواز بعضی دیگر از آنها یاری می رساند!

۳) می دانم بافت باله های ماهیان چیست، ولی می دانم که بعضی ماهی ها را در حرکت کردن و بعضی را در پرواز کردن کمک می کند!

۴) می دانم در بافت باله های ماهی ها چه چیزی هست، اما می دانستم که در حرکت کردن بعضی از ماهیها و پرواز کردن بعضی دیگر یاری می رساند!

«من يؤمن بأنه سينجح في طريقه، لاشك أنه قد استطاع أن يوصل نفسه إلى نصف الطريق!»: ریاضی ۱۴۰۰

۱) هرکس ایمان داشته باشد که او در راهش پیروز خواهد شد، شکی نیست که خودش می تواند به نیمه راه برسد!

۲) آنکس که ایمان داشت که در آینده در راه خود موفق خواهد شد، حتماً خود توانسته است به اواسط راه برسد!

۳) کسی که ایمان داشته باشد به اینکه در راهش موفق خواهد شد، بی شک توانسته است خود را به نیمه راه برساند!

۴) هر آنکس که ایمان دارد به اینکه در مسیرش پیروز خواهد شد، قطعاً خواهد توانست که خود را به اواسط مسیر برساند!

﴿و ما تقدّموا لأنفسكم من خير تجدوه عند الله﴾: انسانی ۱۴۰۰

۱) هر چه از نیکیهای خود پیش بفرستید آنها را نزد الله می یابید!

۲) آنچه از کارهای خیر برای خود تقدیم کنید آنها را نزد الله باز می یابید!

۳) آنچه را از خوبی برای خودتان پیش بفرستید آن را نزد خداوند می یابید!

۴) هرچه را از نیکویی به خودتان تقدیم کنید آنها را در نزد خداوند باز می یابید!

«إن شهدت أحداً قد وصل إلى القمة فإنه كان يتحرّك عندما كان الآخرون نيماً!»: زبان ۱۴۰۰

۱) اگر کسی را دیدی که به قله رسیده است، قطعاً زمانی که دیگران خفته بودند او حرکت می کرد!

۲) اگر مشاهده کردی کسی به قله ای رسیده، حتماً در حرکت بوده است وقتی دیگران خوابیده بودند!

۳) اگر کسی را که به قله ای رسیده است ببینی، قطعاً حرکتی داشته در حالیکه دیگران خوابیده بودند!

۴) اگر مشاهده کنی کسی را که به قله رسیده، قطعاً در حالیکه دیگران خوابیده بودند می خواست حرکت کند!

«إذا يلتزم الإنسان بالصدق يتخلص من كل السيئات التي تضره!»: انسانی خارج ۹۹

۱) اگر انسان پایبند راستی و درستی باشد همه بدیهایی را که ضرر رسان به اوست، رها می کند!

۲) هرگاه انسان به همه صداقتها ملتزم شود از بدیهایی که به او ضرر می زند خلاص می شود!

۳) هرگاه انسان پایبند راستگویی باشد از همه بدیهایی که به او ضرر می رساند رها می شود!

۴) اگر انسان به صداقتها ملتزم باشد بدیهایی را که ضرر رساننده به او هستند رها می کند!

«من يتوقف في الماضي يمكن أن يفقد مستقبله الذي يستطيع أن يكون أساس حياته!»: انسانی خارج ۹۹

۱) آن کس که در گذشته بماند، امکان دارد آینده ای را که احتمال دارد پایه زندگی او باشد، از دست بدهد!

۲) هرکس در گذشته متوقف شود ممکن است آینده اش را که می تواند اساس زندگی اش باشد، از دست بدهد!

۳) کسی که در گذشته توقف کند، احتمال دارد آینده اش را از دست بدهد، درحالی که آن ممکن است اساس زندگی او باشد!

۴) هرکس در گذشته باقی بماند شاید آینده خود را از دست بدهد، حال آنکه آن آینده قادر است پایه زندگی باشد!

«إن سمعتَ كلاماً تعلمه فهو تذکر، و إن لا تعلمه ففکر فيه!»: اختصاصی ۹۸

- ۱) اگر سخنی را شنیدی که آن را می دانی پس آن تذکر است، و اگر نمی دانی پس درباره آن فکر کن!
- ۲) هرگاه سخنی را شنیدی که می دانستی پس آن تذکر بوده است، و اگر نمی دانی پس در مورد آن بیاندیش!
- ۳) اگر کلامی را گوش دادی که آن را می دانستی پس آن تذکری است، و اگر نمی دانستی پس فکرش را بکن!
- ۴) هرگاه به سخنی گوش دادی که آن را می دانی پس آن تذکری بوده است، و اگر نمی دانی پس درباره اش بیاندیش!

« هرکس قبل از سخن گفتن بیاندیشد، غالباً از خطا ایمن می گردد!»: انسانی خارج ۹۸

۱ (من یفکر قبل الکلام یسلم من الخطأ غالباً!)

۲ (من تفکر قبل أن تکلم سلم من الخطأ في الأغلب!)

۳ (الذي یفکر قبل أن تکلم قد یسلم من الأخطاء غالباً!)

۴ (الذي تفکر قبل المكاملة قد سلم من الخطايا في الأغلب!)

عین الخطأ عن المفهوم: تجری ۱۴۰۰

۱ (الزرع: مكان يعمل المزارع فيه!)

۲ (زرع: جعل البذور تحت التراب!)

۳ (المزارع: من يزرع شيئاً في الأرض ثم يحصده!)

۴ (المزارع: الأراضي التي زرع فيها الزرع، و الزارع يحصده!)

عین «ما» شرطية: ریاضی ۱۴۰۰

۱ (ما تتعلمه من العلوم المختلفة تُبعدك عن الجهالة!)

۲ (ما نبتت الأشجار الخانقة في بلدنا لأنها أشجار استوائية!)

۳ (ما وجدت في ذلك الكتاب الذي أثار في نفسك بعد قرائته!)

۴ (ما من صابر يصبر على المشاكل إلا و هو يحصل على النجاح!)

عین «ما» تختلف في المعنى: تجری ۱۴۰۰

۱ (ما أفنح المتكلم المستمعين مع أن كلامه لين!)

۲ (ما قطعتُ كلام معلّمي حتى يفرغ من الكلام!)

۳ (ما استخدم المزارع السياج إلا لحماية محاصيله!)

۴ (ما أجمل الصف الذي يحب المعلم التلاميذ و يحبونه!)

عین «من» تختلف: هنر ۱۴۰۰

۱ (من يسأل المعلم تعنتاً إلا الطالب المشاغب!)

۲ (من عمل بالقرآن فهو يفلح!)

۳ (من غير معلمك الحنون يعلمك ما لا تعلم!)

۴ (سيعلم الجميع من الفائز غداً!)

عین ما لیس فیہ أسلوب الشرط: زبان ۱۴۰۰

۱ (من علم إنساناً أنقذه من ظلمة الجهل!

۲ (من كان أسوأ مناسبة لكم في الحياة!

۳ (من يجالس العقلاء يكتسب فضائل كثيرة!

۴ (من عمل البرّ و الإحسان وجد نتيجة ذلك حقاً!

عین «ما» شرطية (في المعنى): اختصاصی ۱۴۰۰

۱ (ما تنتخب من هذه الكتب فهي مفيدة لك!

۲ (ما أَرْضَى الآباء والأمهات إلا سعادة أولادهم!

۳ (ما من عالم يعمل بعلمه إلا وهو يرى الخير في نتيجة عمله!

۴ (ما هو عمل التلميذ الذي لا يدرس بعد إعلان نتائج الامتحانات!

عین «ما» تختلف في المعنى: خارج ۱۴۰۰

۱ (ما أحب هذا الطالب أن يعرف الآخرون فشله!

۲ (ما تحتاج هذه الغرفة هي مكتبة صغيرة فيها بعض الكتب!

۳ (ما أحسن الإنسان لأحد إلا وهو يرى نتيجة عمله بإحسان أفضل!

۴ (ما أخلص المؤمن لله إلا و ينابيع الحكمة قد ظهرت من قلبه على لسانه !

عین جواب الشرط يختلف: اختصاصی خارج ۱۴۰۰

۱ (إن يقدر أحد أن يسخطك فهو قد تغلب عليك!

۲ (أن تغضب و تعمل بغضبك تقترب من مفسدة عظيمة!

۳ (إن يقصد الأحمق أن ينفعل لا يقدر لأنه يضرك بحماقته!

۴ (إن ندرس دروسنا في موعده نتخرج من المدرسة بعد سنة!

عین الجملة الشرطية: خارج ۹۹

۱ (من شاغب في الشارع و ضرّ الماشين!

۲ (من ضحك علينا ليؤذينا فإنه قليل الثقافة!

۳ (أحبّ من يلزم الجهد فإنه ناجح في حياته دائماً!

۴ (من يجتهدون في حياتهم فإنهم واصلون إلى غاياتهم!

عین ما لیس فیہ الشرط: اختصاصی ۹۹

۱ (من سهر في سبيل الله فهو غير باك يوم القيامة!

۲ (من يسجل هدفاً و الحكم يقبله نجعله في فريقنا الفائز!

۳ (من استطاع أن يحصل على مشتقات النفط اكتفى بنفسه!

۴ (من يزرع شجرة الجوز يعلم أنها لا تثمر إلا بعد عشر سنوات!

عین «ما» شرطیه: زبان ۹۹

- ۱ (ما فعلتُ هذا لك حتى أتوقع أجره!
- ۴) ما تقول عنه في هذا الأمر غير صحيح!
- ۳ (ما تزرع في الدنيا حتى ترى نتيجته في الآخرة!
- ۴) ما تطلب من الخير لآخرين فإنك ترى نتيجته!

عین جواب الشرط يختلف نوعه عن الباقي: هنر ۹۹

- ۱ (إن تتركوا أداء واجباتكم المدرسية ترسبوا في نهاية السنة!
- ۲ (إن نندم على أعمالنا السيئة نغيرها بعد مدة بسهولة!
- ۳ (إن ينم طفل صغير في الغرفة أتكلّم همساً!
- ۴ (إن يقطع أحد كلام الآخرين فهو قليل الأدب!

عین ما ليس فيه أسلوب الشرط: زبان ۹۸

- ۱ (من لا يتدخل في موضوع لا يرتبط به يعمل عملاً عقلياً!
- ۲) من رأيت من الأصداء يدعوك إلى الخير فبجّله تبجلاً!
- ۳ (من لم يقل كل ما علم فهو يبعد نفسه عن الخطأ!
- ۴ (من بعث ليتمم مكارم الأخلاق هو النبي الأكرم!

عین ما ليس فيه أسلوب الشرط: تجرّبی ۹۸

- ۱ (من يحسن إلى الناس فالله يجزيه على أحسنه!
- ۲ (من يعامل الناس بالسوء لينظر إلى عاقبة أمره!
- ۳ (من يلتزم بأن يكون عاملاً بما يقول فهو مؤمن!
- ۴ (من سار في طريق العلم لا يندم و إن تحمل المشقة!

عین « ما » شرطية: اختصاصی ۹۸

- ۱ (ما أظلم الإنسان في حياته الضعفاء!
- ۲ (ما من طائر إلا وله جناحان يطير بهما!
- ۳ (ما عندي وصفة كتب الطبيب فيها الأدوية اللازمة لي!
- ۴ (ما تعمل من خير في الدنيا تجد ثمرته في الآخرة!

درس ۴

﴿أرسلنا إلى فرعونَ رسولاً، فعَصَى فرعونُ الرسولَ!﴾: ریاضی ۱۴۰۰

۱) پیامبر را که برای فرعون مبعوث کردیم، فرعون از او اطاعت نکرد!

۲) بسوی فرعون رسولی فرستادیم، پس فرعون از آن رسول نافرمانی کرد!

۳) رسولی بسوی فرعون گسیل داشتیم، ولی فرعون از رسول ما سرپیچی کرد!

۴) برای فرعون آن پیامبر را ارسال کردیم، پس فرعون بر آن پیامبر عصیان کرد!

﴿أنفقوا ممّا رزقناکم من قبل أن یأتی یومٌ لا بیعُ فیهِ و لا خِلةٌ!﴾: اختصاصی خارج ۱۴۰۰

۱) از آنچه به شما روزی دادیم انفاق کنید قبل از اینکه روزی بیاید که نه فروشی (تجارتی) در آن است و نه دوستی

۲) آنچه را روزی شما کردیم انفاق کنید پیش از اینکه آن روز فرا رسد که نه خرید و فروشی در آن است و نه شفاعتی!

۳) از چیزهایی که به شما روزی داده‌ایم به دیگران بدهید پیش از اینکه آن روز بیاید که نه خریدی در آن است و نه شفاعتی!

۴) چیزهایی را که روزی شما قرار دادیم به دیگران ببخشید قبل از اینکه روزی فرا رسد که نه معامله ای در آن است و نه دوستی!

﴿رَبِّمَا تَسْتَطِيعُ أَنْ تَمْلِكَ بِالظُّلْمِ كُلِّ مَا تَرِيدُ، وَلَكِنْ بَدْعَاءِ مَظْلُومٍ تَفْقَدُ كُلَّ مَا قَدْ مَلَكَتَ!﴾: انسانی ۱۴۰۰

۱) چه بسا بتوانی با ظلم هرچه را بخواهی مالک شوی، ولی با دعای یک مظلوم همه آنچه را مالک شده ای، از دست می دهی!

۲) چه بسا توانسته باشی بوسیله ظلم هرچه را دوست داری مالک شوی، اما با دعای مظلوم علیه تو همه آنچه را کسب کرده ای، از دست خواهی داد!

۳) شاید توانائی داشته باشی با ظلم همه آنچه را بخواهی به چنگ آوری، اما با یک نفرین مظلوم تمام آنچه را که در دستان تو است از دست می دهی!

۴) شاید قادر باشی بوسیله ظلم تمام چیزهایی را که دوست داری بدست آوری ولی با یک دعای مظلوم همه چیزهایی را که مالک شده ای از دست می دهی!

﴿هناك أشجارٌ تعیش بالالتفاف حول جذور و جذوع الأشجار الأخری و تنمو بخلق الآخِرین﴾: تجربی ۱۴۰۰

۱) درختهایی وجود دارند که با پیچیدن اطراف ریشه و تنه درختهای دیگر زندگی کرده و با خفقان بقیه رشد کرده اند!

۲) درختهایی هستند که دور ریشه و تنه دیگر درختها پیچیده زندگی و رشد می کنند در حالی که برای بقیه خفقان می آورند!

۳) درختانی وجود دارند که با پیچیدن دور ریشه ها و تنه های درختان دیگر زندگی می کنند و با خفه کردن دیگران رشد می کنند!

۴) آنجا درختانی با در برگرفتن ریشه ها و تنه های درختان دیگر زندگی می کنند و رشد می نمایند در حالیکه دیگران را خفه می کنند!

﴿السیرة الحسنة كشجرة الزيتون، لا تنمو سریعاً و لكنها تعیش طویلاً﴾: زبان ۱۴۰۰

۱) یک رفتار نیکو مانند درخت زیتون سریع نمی‌بالد ولی زندگی طولانی خواهد داشت!

۲) راه و روش خوب چون درخت زیتون است، بسرعت رشد نمی‌کند اما طولانی زندگی می‌کند!

۳) سیره نیک همچون درخت زیتون است که سریع رشد نمی‌کند، ولی زندگی طولانی می‌کند!

۴) یک سیره حسنه مانند درخت زیتونی است که بسرعت بزرگ نمی‌شود، اما زندگیش طولانی است!

﴿الجمال هو أن تزرع وردةً في بستان، ولكنّ الأجمَل منه هو أن تغرس الحُبَّ و الصدق في قلب إنسان!﴾: خارج ۹۹

۱) زیبا آن است که گلی در بوستان کاشته شود، ولی زیباتر از آن کاشتن عشق و راستی در قلب انسان است!

۲) زیبایی همان است که گلی را در یک بوستان بکاری، ولیکن زیباتر، کاشت محبت و صفا در دل انسان است!

۳) زیبا آن است که به کاشت گلی در بوستان پردازی، ولی زیباتر از آن اینکه دوستی و راستی را در دل یک انسان بکاری!

۴) (زیبایی آن است که گلی را در بوستانی بکاری، ولیکن زیباتر از آن این است که محبت و صداقت را در قلب انسانی بکاری!)

«عمر نوع من هذه الأشجار الطويلة العجيبة قد يصل إلى أكثر من خمسمائة سنة!»: ریاضی ۹۹

(۱) یک نوع از این درخت‌های بلند، عمرش شگفت‌انگیز است، گاهی به بیش از پانصد سال می‌رسد!

(۲) یک نوع از این درخت‌های بلند شگفت‌انگیز، عمرشان قطعاً بیشتر از پانصد سال است!

(۳) عمر نوعی از این درختان که بلند و عجیب هستند قطعاً بیشتر از پانصد سال است!

۴ (عمر نوعی از این درختان بلند عجیب گاهی به بیش از پانصد سال می‌رسد!

﴿ أرسلنا إلى فرعون رسولا فَعَصَى فرعون الرسول﴾: انسانی ۹۹

(۱) به‌سوی فرعون رسولی فرستادیم و فرعون از آن رسول نافرمانی کرد!

(۲) رسولی را برای فرعون ارسال کردیم و فرستاده از فرعون تبعیت نکرد!

(۳) برای فرعون پیامبر را مبعوث کردیم و فرعون بر آن پیامبر عصیان کرد!

(۴) پیامبری را به‌سوی فرعون مبعوث کردیم و آن پیامبر بر فرعون عصیان کرد!

«هذا جميل جداً أن تجعل عدوك صديقاً، والأجمل منه هو ألا تفتح بوابة قلبك للعداوة، بل تُسبب تحويلها إلى صداقة!»: اختصاصی ۹۹

(۱) این جداً زیباست که دشمنت را دوست بگردانی، و زیباتر این بود که دروازه قلب خود را برای دشمن نگشایی، بلکه باعث تحول آن به دوستی

بشوی!

(۲) این بسیار زیباست که دشمن خود را دوست بگردانی، و زیباتر از آن اینست که دروازه قلبت را برای دشمنی نگشایی، بلکه سبب تبدیل آن به

دوستی بشوی!

(۳) این زیباست جداً که دشمن را دوست خود گردانده‌ای، و زیباتر از آن اینکه دروازه قلب خود را به روی دشمنی باز نکرده‌ای، تا سبب شوی

دوستی به دشمنی تحول پیدا کند!

(۴) این چقدر زیباست که دشمن خود را دوست گردانده‌ای، اما زیباتر این است که دروازه قلبت را برای دشمنی باز نکنی، بلکه سبب شوی آن

دشمنی به دوستی تبدیل شود!

«ما أجمل أن تری نهاية أحزانك الماضية لتبدأ حياة جديدة فرحة!»: هنر ۹۹

(۱) چه زیباست که پایان غم‌های گذشته‌ات را ببینی تا زندگی جدید شادی را شروع کنی!

(۲) چیزی زیباتر است که غم‌های گذشته‌ات را پایان دهد تا یک زندگی جدید را با شادی آغاز کنی!

(۳) چه زیباست که ببینی اندوه‌های گذشته‌ات پایان یافته برای اینکه زندگی جدید شادی شروع شود!

(۴) آنچه زیباتر است اینست که پایان ناراحتی‌های قبلی‌ات را ببینی برای اینکه زندگی جدیدی شادمانه شروع شود!

يجب علينا أن نقتصد في استهلاك قوة الكهرباء حتى لا نواجه قطعها في الأيام التي نحتاج إليها!»: انسانی ۹۹

(۱) ما باید در مصرف نیروی برق صرفه‌جویی کنیم تا در روزهایی که به آن نیاز داریم با قطع آن مواجه نشویم!

(۲) صرفه‌جویی در مصرف انرژی برق واجب است تا با قطع‌شدنش در روزهایی که به آن نیاز داریم روبه‌رو نشویم!

(۳) لازم است در مصرف انرژی برق صرفه‌جویی کنیم زیرا در روزهایی که با قطعی آن مواجه می‌شویم به آن نیاز داریم!

(۴) بر ما لازم است که در مصرف نیروی برق صرفه‌جویی کنیم زیرا در روزهایی که با قطع‌شدنش روبه‌رو می‌شویم به آن احتیاج داریم!

«المفردات التي تدخل اللغة العربية من لغات أخرى و تتغير حروفها و أوزانها وفق اللغة العربية، تسمى الكلمات المعربة!»: هر ۹۸

(۱) واژگانی را که در زبان عربی از دیگر زبانها داخل شده و حروف و وزن آنها طبق زبان عربی درآمده است، کلمات عربی شده نامیده‌اند!

(۲) کلماتی که از زبان‌هایی دیگر وارد زبان عربی می‌شوند و حروف و اوزان آنها طبق زبان عربی تغییر می‌کند، کلمات معرب نامیده می‌شوند!

(۳) مفرداتی را که از زبان‌های دیگر وارد زبان عربی می‌شوند و حرف‌ها و وزن‌های آنها مطابق زبان عربی دگرگون می‌شوند، واژگان معرب نامیده‌اند!

(۴) واژگانی که از زبان‌های دیگری داخل زبان عربی شده‌اند و حروف و اوزان آنها مطابق با این زبان تغییر کرده، واژگان عربی شده نامیده شده‌اند!

«المفردات التي دخلت العربية من لغات أخرى، تسمى في اللغتين الفارسية و العربية، الكلمات الدخيلة!»: خارج ۹۸

(۱) واژگانی را که از دو زبان فارسی و عربی داخل یکدیگر می‌شوند، در هر زبان واژگان دخیل می‌نامند!

(۲) مفرداتی که از زبان‌های دیگر در زبان عربی وارد شده، در دو زبان فارسی و عربی، کلمات دخیل نامیده می‌شوند!

(۳) واژگانی را که در زبان عربی از زبان دیگری داخل می‌شود، در زبانهای فارسی و عربی مفردات داخل شده می‌نامند!

(۴) مفرداتی که از زبان عربی به زبانهای دیگر وارد می‌شود، در زبانهای فارسی و عربی مفردات وارد شده نامیده می‌شود!

«قد تکره أمراً و الله جعله خيراً لك و قد تُحب شيئاً و الله جعله شراً لك!»: انسانی خارج ۹۸

(۱) کاری را احتمالاً ناپسند می‌داری حال اینکه خدا خیر را در آن قرار داده، و چیزی را احتمالاً دوست می‌داری حال اینکه خدا شر را در آن قرار داده است!

(۲) شاید کاری را زشت می‌داری در حالیکه خدا برای تو در آن خیر قرار داده، و شاید چیزی را دوست بداری در حالی که خدا برای تو در آن شر قرار داده!

(۳) کاری را گاه زشت می‌پنداری در حالیکه خدا در آن خیری قرار داده، و چیزی را گاه دوست داری در حالی که خدا شری در آن برایت قرار داده!

(۴) گاهی کاری را ناپسند می‌شماری و حال اینکه خدا آن را برای تو خیر قرار داده است، و گاهی چیزی را دوست داری و حال اینکه خدا آن را برای تو شر قرار داده است!

﴿ أنفقوا مما رزقناكم من قبل أن يأتي يومٌ لا بيعٌ فيه و لا خلةٌ و لا شفاعَةٌ! ﴾: انسانی ۹۸

(۱) از آنچه به شما روزی می‌دهیم انفاق کنید قبل از آنکه روزی بیاید که در آن هیچ فروش و دوستی نیست و نه شفاعتی!

(۲) انفاق کنید از آنچه روزی دادیم شما را، پیش از آنکه روزی فرا رسد که نه فروشی در آن است و نه دوستی و نه شفاعتی!

(۳) بخشش کنید از چیزهایی که روزیتان دادیم پیش از اینکه آن روز فرا رسد که هیچ فروش و دوستی و شفاعت در آن نیست!

(۴) از آنچه روزی شما قرار می‌دهیم بخشش کنید قبل از اینکه آن روز بیاید که فروش در آن نیست و دوستی و شفاعت نیز نیست!

عين الصحيح: اختصاصی خارج ۹۹

(۱) بعضُ النَّاسِ مِنْ نُهَاةِ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ دَائِمًا، بَعْضَى مِنْ مَرْدَمٍ مِنْ نَهَى كُنْدِ الْكَارِهَاتِ بِدِ هَمِيشْكِ هَسْتَنْد!

(۲) وَلَكِنْ كَثِيرًا مِنَ الشَّبَابِ لَا يُحِبُّونَ أُمَّرَهُمْ وَ نَهِيَهُمْ، وَلِي جَوَانَانِ، بَسِيَارِي مِنْ أَمْرِ وَ نَهَى أَنَانِ رَا دُوسْتِ نَدَارَنْد،

(۳) وَ يَرِيدُونَ أَنْ يَصْلُوا هُمْ أَنْفُسَهُمْ إِلَى نَتِيْجَةِ أَعْمَالِهِمْ، وَ مِي خَوَاهَنْد كِه أَنَا خُودشَان بِي نَتِيْجِه كَارِهَائِشَان بَرَسَنْد،

(۴) نَعَمْ، قَدْ يَصْلُونَ إِلَى النَّتِيْجَةِ وَلَكِنْ مَعَ خَسَارَةٍ لَا تَعُوْضُ! آری، قَطْعًا بِي نَتِيْجِه مِي رَسَنْد أَمَا بَا خَسَارَتِي كِه جَبْرَان نَمِي شُود!

عین الخطأ: تجری ۱۴۰۰

- ۱) اجعل فشكل بدايةً جديدةً لنجاحك: شكستت را آغازی نو برای موفقیت خود قرار بده!
- ۲) **إذا عَزَمْتَ أَنْ تَبْدَأَ عَمَلًا فَإِنَّكَ قَدْ قَطَعْتَ نِصْفَ الطَّرِيقِ** : هرگاه تصمیم به انجام دادن کاری گرفتی، نیمی از راه را پیمودی!
- ۳) **إن استطعت أن تَمَلَأَ دقائقَ حياتك بالعمل المفيد نجت**: اگر بتوانی دقایق زندگی خود را با عمل مفید پر کنی، موفق میشوی!
- ۴) **طلبَ التلاميذُ من المدير أن يُوجَلَّ الامتحاناتُ لأُسبوعينَ آخِرینَ**: دانش آموزان از مدیر خواستند که امتحانات را برای دو هفته دیگر به تأخیر بیندازد!

«کشاورزان از چاه روستا آبی استخراج کردند»: اختصاصی ۱۴۰۰

- ۱) **استخرج الفلاحون ماءً من بئر القرية!**
- ۲) استخرج هؤلاء الفلاحون ماءً من بئر القرية!
- ۳) استخرجوا الفلاحون ماءً من البئر في قرية!
- ۴) استخرجوا هؤلاء الفلاحون الماء من بئر في القرية!
- «استاد موافقت کرد که امتحان را برای دانش آموزان به مدت دو هفته به تأخیر اندازد»: خارج ۱۴۰۰

- ۱) وافق أستاذنا أن يُوجَلَّ مَوعِدَ الامتحاناتِ أسبوعينَ اثنتين!
- ۲) توافق أستاذنا أن يتأخَّرَ الموعد للامتحان أسبوعينَ اثنتين!
- ۳) توافق الأستاذ أن يؤخَّرَ امتحانات الطلاب لمدة أسبوعين!
- ۴) **وافق الأستاذ أن يُوجَلَّ الامتحان للطلاب لمدة أسبوعين!**

«ما درختانی می‌کاریم تا دیگران از میوه های آنها بخورند!». عین الصّحیح: انسانی ۹۸

- ۱) نحن نغرس الأشجار حتى من ثمراتها يأكل الآخرون!
- ۲) نغرس نحن الأشجار لكي يأكل آخرون من ثمارها!
- ۳) نغرس نحن أشجاراً حتى آخرون يأكل من ثمراتها!
- ۴) **نحن نغرس أشجاراً لكي يأكل من ثمارها الآخرون!**

«برماست که بدانیم تبادل کلمات بین زبان‌ها در جهان امری طبیعی است!»: اختصاصی خارج ۹۸

- ۱) يجب أن نعلم أن مبادلة الكلمات أمر طبيعي بين لغات العالم!
- ۲) علينا أن نفهم أن مبادلة الكلمات في لغات العالم أمر طبيعي!
- ۳) علينا أن نفهم أن تبديل المفردات بين اللغات أمر عادي في العالم!
- ۴) **علينا أن نعلم أن تبادل المفردات بين اللغات في العالم أمر طبيعي!**

«اسب‌هایی را دیدم، آن اسب‌ها کنار صاحبشان بودند!»: تجری ۹۸

- ۱) نظرتُ أفراساً، و كانت أفراس في جنب صاحبها!
- ۲) شاهدتُ الأفراس التي كانت في جنب صاحبها!
- ۳) وجدتُ الأفراس و هي كانت جنب صاحبها!
- ۴) **رأيتُ أفراساً، كانت الأفراس جنب صاحبها!**

عین الخطأ: زبان ۹۹

۱) الأرجل: یمشي الإنسان بها!

۲) المتفرج: الذي يشجع اللاعب في المسابقة!

۳) السائح: من يفرح الناس لزيارة الآثار التاريخية!

۴) المشكاة: زجاجة فيها مصباح ينتشر الضوء من داخلها!

عین غیرالمناسب للمفهوم: « إذا كان الصبر مراً فعاقبته حلوة!»: اختصاصی ۹۹

۱) نیست رنگی که بگوید با من اندکی صبر، سحر نزدیک است!

۲) ساختم با آنکه عمری سوختم سوختم یک عمر و صبر آموختم!

۳) صبر بر جور رقیب، چه کنم گر نکنم همه دانند که در صحبت گل خاری هست!

۴) چه خوش است در فراقی همه عمر صبر کن به امید آنکه روزی به کف اوفتد وصالی!

عین حرف « ال » معناه اسم الإشارة: انسانی خارج ۹۸

۱) يقفز السنجاب الطائر بغشائه الخاص، هذا الغشاء كاملظلة!

۲) الإجابة قبل أن تسمع الكلام سمعاً جيداً من أخلاق الجهلاء!

۳) لا نقدر أن نرى جناحي الطنان لأن سرعة حركة الطنان كثيرة!

۴) يا رب! أعوذ بك من قلب لا يخشع، كأن القلب يبتعد عن ربه!

درس ۵

۱ « لَفْشَلُ تَحَمَّلَهُ صَعْبٌ وَلَكِنَّهُ يَخْلُقُ لَكَ فُرْصاً سَتَسْتَفِيدُ مِنْهَا لِلنَّجَاحِ! »: تجربی ۹۹

۱ (تحمل شکست دشوار است ولی شکست برای تو فرصتی را می آفریند که از آن در پیروزی استفاده می کنی!

۲ پذیرش شکست سخت است لکن موقعیت هایی برای تو خلق می شود که از آن برای پیروزی استفاده می کنی!

۳ شکست خوردن و پذیرش آن دشوار است اما موقعیت هایی که برای تو خلق می کند، از آن ها در پیروزی استفاده خواهی کرد!

۴ شکست تحملش سخت است ولیکن برای تو فرصت هایی می آفریند که از آن ها برای پیروزی استفاده خواهی کرد!

« اسْتَشِرِ الْآخِرِينَ فِيمَا لَا تَعْلَمُ وَ إِنْ كَانُوا أَصْغَرَ مِنْكَ، فَإِنَّ الْاسْتِشَارَةَ لَا تُفْزِئُ بَيْنَ الصَّغِيرِ وَ بَيْنَ الْكَبِيرِ! »: اختصاصی ۹۹

۱ (درباره آنچه نمی دانی با دیگران مشورت کن اگرچه کوچکتر از تو باشند، چه مشورت کردن بین کوچک و بزرگ جدا نمی کند!

۲ درباره هرچه نمی شناسی با دیگران مشورت کن اگرچه آن ها از تو کوچکتر هستند، مشورت برای کوچک و بزرگ فرق قائل نیست!

۳ با دیگران درباره آنچه نمی دانی مشورت کن حتی اگر آن ها کوچکتر باشند، زیرا طلب مشورت بین کوچک و بزرگ جدایی قائل نیست!

۴ از دیگران درباره هر چیزی که نمی شناسی مشورت بخواه حتی اگر از تو کوچکتر بودند، پس مشورت خواستن میان کوچک و بزرگ فرق نمی گذارد!

« لَا تَسْتَشِرِ الْكُذَّابَ، فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يَقْرَبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَ يُبْعَدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ! »: ریاضی ۹۸

۱ (با شخص کذاب مشورت مکن، زیرا او چون سراب است، دور را بر تو نزدیک می نماید و نزدیک را دور!

۲ دروغزن را مورد مشورت خویش قرار نده، چه او همچون سراب بعید را به تو نزدیک می نماید و قریب را دور!

۳ با شخص دروغگو مشورت نکن، چه او مانند سراب دور را به تو نزدیک می کند و نزدیک را از تو دور می سازد!

۴ کذاب را مشاور خود قرار مده، زیرا او مانند سراب است که بعید را به تو قریب می کند و قریب را از تو بعید می سازد!

« يَبْلِغُ الصَّادِقُونَ بِصَدَقِهِمْ مَا لَا يَبْلُغُهُ الْكَاذِبُونَ بِاحْتِيَالِهِمْ! »: تجربی ۹۸

۱ (صادقان با صدق خود به همان چیزی می رسند که کاذبان با فریبکاری خود به آن نرسیده اند!

۲ راستگويان با راستگویی خود به چیزی می رسند که دروغگويان با حيله گری خود به آن نمی رسند!

۳ اشخاص راستگو با صداقت خویش آنچه را به دست می آورند، اشخاص دروغگو با حيله گری خود به دست نمی آورند!

۴ افراد صادق با راستگویی خویش چیزی را به دست می آورند که دروغگويان با فریبکاری خود به دست نیاورده اند!

« لَا يَغْتَرُّ بِالْدُنْيَا أُبْدًا مَنْ يَعْلَمُ أَنَّهَا كَسْرَابٍ، يَرَى فِيهَا مَا لَا وَجُودَ لَهُ! »: خارج انسانی ۹۸

۱ (فریب دنیا را کسی نمی خورد که دانسته است آن مثل سرابی است که هرگز در آن چیزی وجود ندارد!

۲ کسی هرگز فریب دنیا را نخورده است اگر بداند که آن مثل سراب و در آن هیچ چیزی وجود ندارد!

۳ کسی که می داند دنیا چون سرابی است که در آن آنچه وجود ندارد دیده می شود، فریب دنیا را هرگز نمی خورد!

۴ هرگز فریب دنیا را نمی خورد کسی که می داند که آن چون سرابی است که در آن چیزی را می بیند که اصلاً وجود ندارد!

« لَمَّا دَخَلْتُ الْمَكْتَبَةَ شَاهَدْتُ طَلَبًا يُطَالَعُونَ دَرُوسَهُمْ بَجْدًا! »: هنر ۹۸

۱ (وقتی وارد کتابخانه شدم دانش آموزانی را دیدم که با جدیت درس خود را مطالعه می کردند!

۲ آنگاه که به کتابخانه داخل شدم دانش آموزان را دیدم که درس خود را با جدیت مطالعه می کنند!

۳ آنگاه که وارد کتابخانه ای شدم دانش آموزانی را مشاهده کردم که با جدیت درسهای خود را مطالعه می کنند!

۴ وقتی داخل کتابخانه ای شدم دانش آموزان را مشاهده کردم که بطور جدی درسهای خود را مطالعه می کردند!

«وَجَدْتُ الشَّمْسَ أَقْوَى مَصْدِرٍ يَكْفِينَا نُورُهَا وَ حَرَارَتُهَا، دُونَ أَنْ تَقْرَبَ إِلَيْنَا أَوْ تَبْتَعِدَ عَنَّا!»: خارج ۹۸

- (۱) دیدم خورشید قویترین منبع است که نور و حرارتش، بدون اینکه به ما نزدیک و یا از ما دور شود برایمان کافی است!
- (۲) خورشید را پر انرژیترین منبع یافتیم که نورش و حرارتش برایمان کافی است، بدون نزدیکی به ما و دوری از ما!
- (۳) خورشید را نیرومندترین منبعی یافتیم که نور و حرارت آن، بی آنکه به ما نزدیک شود و یا از ما دور شود برای ما کافی می باشد!
- (۴) این خورشید قدرتمندترین منبعی است که نور و حرارتش برای همه ما کافی می باشد بدون آنکه بتواند نزدیک به ما یا دور از ما شود!

«لَكُلِّ مَوْجُودٍ سِلَاحٌ يُدَافِعُ بِهِ عَنِ نَفْسِهِ غَرِيزِيًّا وَ هَذَا السِّلَاحُ فِي الْإِنْسَانِ عَقْلُهُ!»: اختصاصی خارج ۹۸

- (۱) برای هر موجود یک سلاح غریزی وجود دارد که از خویش دفاع می کند و انسان سلاحش عقل است!
- (۲) هر موجودی سلاحی دارد که با آن به طور غریزی از خود دفاع می کند، و این سلاح در انسان عقل است!
- (۳) برای هر موجودی سلاحی است غریزی که با آن خطر را از خود دفع می کند و در انسان این سلاح عقل است!
- (۴) هر موجودی سلاحی دارد که با آن از روی غریزه از خویش دفع خطر می کند، و این سلاح در انسان عقل است!

عَيْنُ الصَّحِيحِ: اختصاصی خارج ۹۹

- (۱) بَعْضُ النَّاسِ مِنْ نَهَاةِ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ دَائِمًا: بعضی از مردم از نهی کنندگان کارهای بد همیشگی هستند!
- (۲) (وَلَكِنْ كَثِيرًا مِنَ الشَّبَابِ لَا يُحِبُّونَ أُمَّرَهُمْ وَ نَهْيَهُمْ، وَ لِي جَوَانَانِ، بَسِيَارِي مِنْ أَمْرِ وَ نَهْيِ أَنَا نِ رَا دَوْسْتِ نَدَارَنْدِ،
- (۳) (وَ يَرِيدُونَ أَنْ يَصِلُوا هُمْ أَنْفُسَهُمْ إِلَى نَتِيْجَةِ أَعْمَالِهِمْ، وَ مِي خَوَاهَنْدِ كِهْ أَنَهَا خُودَشَانِ بِهْ نَتِيْجِهْ كَارِهَائِشَانِ بَرَسَنْدِ،
- (۴) (نَعَمْ، قَدْ يَصَلُونَ إِلَى النَّتِيْجَةِ وَلَكِنْ مَعَ خَسَارَةٍ لَا تُعَوِّضُ! آری، قَطْعًا بِهْ نَتِيْجِهْ مِي رَسَنْدِ أَمَّا بَا خَسَارَتِيْ كِهْ جَبْرَانِ نَمِي شُودِ!

عَيْنُ الْخَطَأِ: خارج ۹۹

- (۱) (هَلْ تَعْلَمُ أَنَّكَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَصْنَعَ الْعِطْرَ مِنَ النَّفْطِ: آیا می دانی که تو می توانی از نفت عطر بسازی!
- (۲) (أُحِبُّ أَنْ يَجْعَلَنِي اللَّهُ مَمَّنْ يَبْقَى ذِكْرُهُمْ: دوست دارم که خدا مرا از کسانی قرار دهد که یادشان باقی می ماند!
- (۳) (لِلْمُؤْمِنِ كَلَامٌ لِيَنْ يَجْذِبُ بِهِ قُلُوبَ النَّاسِ: مؤمن سخنی نرم دارد که بوسیله آن قلبهای مردم را جذب می کند!
- (۴) (اللَّهُمَّ، أَعْطِنَا مَا نُحِبُّ وَ اجْعَلْهُ فِي سَبِيلِ كَسْبِ رِضَاكَ: خدایا! به ما آنچه را دوست داری عطا کن و آن را در راهی قرار بده که راضی هستی!

عَيْنُ الْخَطَأِ: اختصاصی خارج ۹۸

- (۱) مَنْ يُحِبُّ اللَّهَ وَ خِدْمَةَ عِبَادَةِ لَهُ سَكِينَةٌ لَا تُشَاهَدُ فِي الْآخِرِينَ: کسی که خدا و خدمت به بندگان را دوست دارد آرامشی دارد که در دیگران مشاهده نمی شود!
- (۲) مَنْ يَتَعَلَّمُ حَتَّى يَتَعَلَّمَ الْآخِرِينَ وَ يَنْفَعَهُمْ فَلَاشَكَّ هُوَ الْأَفْضَلُ: کسی که دانش فرا می گیرد تا به دیگران یاد بدهد و به آنان سود برساند بی شک او برترین است!

(۳) جَعَلَ اللَّهُ فِينَا مَنَادِيًّا لِنَبْتَعِدَ عَنِ الْمَعَاصِي وَ إِنْ لَا نَسْتَطِيعُ أَنْ نَسْمَعَهُ: خدا در ما منادی را قرار داد تا از گناهان دور شویم اگر چه گوش ندهیم!

(۴) كُنْ مَتَفَانًا حَتَّى يَزِيدَ رَجَاؤُكَ وَ تَرَى فُرْصَ الْخَيْرِ: خوش بین باش تا امید تو افزون شود و فرصت های خوب را ببینی!

«دانش آموزی را می بینم که تمرینهای درس را در کلاس می نویسد!»: انسانی ۱۴۰۰

(۱) أَشَاهِدُ طَالِبًا يَكْتُبُ تَمَارِينَ الدَّرْسِ فِي الصَّفِّ!

(۲) رَأَيْتُ فِي الصَّفِّ الطَّالِبَ يَكْتُبُ تَمَارِينَ الدَّرْسِ!

(۳) أَشَاهِدُ فِي الصَّفِّ طَالِبًا وَ هُوَ يَكْتُبُ تَمَارِينَ الدَّرْسِ!

(۴) رَأَيْتُ الطَّالِبَ وَ هُوَ يَكْتُبُ تَمَارِينَ الدَّرْسِ فِي الصَّفِّ!

«امروز کتابی خریدم که قبلاً آن را دیده بودم!»: زبان ۹۹

(۱) هذا يوم اشتریت الكتاب و رأیت قبل هذا!

(۲) اشتریت الیوم کتاباً قد رأیته من قبل!

(۳) هذا الیوم اشتریت کتاباً رأیت قبل هذا!

(۴) قد اشتریت الیوم الكتاب و رأیته من قبل!

«برنامه‌ای را یافتم که مرا در آموختن عربی کمک می‌کرد!»: زبان ۹۸

(۱) حصلتُ علی البرنامج الذی یُساعد لی تعلّم العربیة!

(۲) رأیتُ البرنامج و هو یُساعدنی لتعلیم اللغة العربیة!

(۳) وجدتُ برنامجاً یُساعدنی فی تعلّم العربیة!

(۴) أخذتُ برنامجاً یُساعد فی تعلیم اللغة العربیة!

عین غیر المناسب للمفهوم: «إذا تمّ العقلُ نقص الكلام!»: اختصاصی خارج ۹۹

(۱) نباید سخن گفت ناساخته نشاید بریدن نینداخته!

(۲) زبان درکش ای مرد بسیار دان که فردا قلم نیست بر بی‌زبان!

(۳) حذر کن ز نادان ده مرده گوی چو دانا یکی گوی و پرونده گوی!

(۴) به گوینده گیتی برازنده است که گیتی به گویندگان زنده است!

عین الصحیح عن المفردات: انسانی ۱۴۰۰

(۱) نعلم أنّ للبطّ غدّةً طبیعیةً بالقرب من ذنبها. (جمع) ← غُدَد، ذنوب

(۲) عندما نمشي على الرمال الحارة تحرق أقدامنا. (مترادف) ← نسیر، رجال

(۳) اشتدّت الریاح و حدثت أعاصیر فی تلك المنطقة. (مفرد) ← رائحة، إعصار

(۴) أظهر لنا أصدقاؤنا صدقهم و هم من المصلحين. (متضاد) ← أضمر، المفسدين

عین الوصف یختلف عن الباقي: هنر ۱۴۰۰

(۱) اغتنموا الفرص القلیلة و بدلوها إلى فرص ذهبیة!

(۲) کُن فی الشدائد کجزیره لا یكون البحر قادراً أن یبلغها!

(۳) آثارنا التاریخیة فخرنا و هی من أهم الآثار التي سجّلت فی ذاكرتنا!

(۴) كانت سيارتنا معطّلة فجعلتها فی موقف تصلیح السیارات لمدة أسبوع واحد!

عین ما لیس فیهِ فعلٌ یصف ما قبله: انسانی ۱۴۰۰

(۱) للحرباء عینٌ تدور کلّ اتجاه تُریده!

(۲) لا ترفع صوتک بأیّ دلیل عندما تتکلم مع أمک!

(۳) یقدّم لقمان مواعظ قیمة یشیر القرآن إليها!

(۴) ألف کتاب عظیم یحصی مدنا الجذابة للسیاحة!

عین الصفة یختلف نوعها: زبان ۱۴۰۰

- ۱ (قرأنا الآراء المتعددة في هذا الموضوع فنفكر فيه!
- ۲ (شاهدتُ التلاميذ يلعبون في الملعب الكبير مع أصدقائهم!
- ۳ (هذا هو التلميذ الناجح يمشي و يضحك مع بقية التلاميذ!
- ۴ (أبي مزارع يجتهد دائماً و لا يرضى بأن يترك هذه القرية!

عین الصفة یختلف نوعها: خارج انسانی ۱۴۰۰

- ۱ (نحن نغرس الأشجار المثمرة و نأمل أن نستفيد منها!
- ۲ (إن الدنيا عند المؤمن أهون من ورقة تقضمها الجرادة!
- ۳ (يقدر التمساح أن يأكل فريسة أكبر من فمه بسهولة!
- ۴ (تساعد الذاكرة القوية الإنسان على التعلم الأحسن!

عین المفعول موصوفاً بالجملة: انسانی ۹۸

- ۱ (أشكرك يا ربّي بأن حسنت خلقي!
- ۲ (قد يأكل التمساح فريسة أكبر من فمه!
- ۳ (سجل هدفك و اذهب إليه بقوة و إرادة!
- ۴ (أتعرف طائراً ينقر جذوع الأشجار لصنع العش!

عین ما فيه توصيفٌ للنكرة (الجملة الوصفية): هنر ۹۸

- ۱ (أحبّ أن أزور «حامداً» و هو غائب عنّا منذ السنة!
- ۲ (الكعبة الشريفة بناء مقدّس بناه «إبراهيم» عليه السلام!
- ۳ (عرف «حافظ» عارفاً و هو قد استفاد من لغة القرآن في أبياته!
- ۴ (أسرة «صادق» ما عرفت «منصوراً» كان يشتغل في المزرعة معه!

عین مضارعاً يمكن أن يعادل «الماضي الاستمراري» في الفارسية: انسانی ۹۸

- ۱ (سنجد برنامجاً لك يعينك في دروسك كلها!
- ۲ (شاهدتُ مناظر في طريق السفر يعجبني جمالها!
- ۳ (العاقل يستشير الصادق في أموره حتى يقربه من الحقائق!
- ۴ (بعضنا يحدث بكلّ ما يسمع به، و هذا عمل غير صحيح!

درس ۶

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ﴾: تجرِبی ۱۴۰۰

۱) همانا الله چیزی را که در دل قوم وجود دارد دگرگون نمی کند مگر وقتی که درون خویش را دگرگون کنند!

۲) قطعاً الله در آنچه در اقوام وجود دارد تغییر ایجاد نمی کند مگر زمانی که آنچه در دلهایشان هست تغییر کند!

۳) همانا خداوند آنچه را در قومی هست تغییر نمی دهد تا اینکه آنچه را در دلهای خود دارند تغییر دهند!

۴) قطعاً خداوند چیزی را که در دل اقوام هست دگرگون نمی سازد مگر اینکه ابتدا دلهای خود را دگرگون نمایند!

﴿أَوْ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ﴾: زبان ۱۴۰۰

۱) و آیا ندانسته اند که خداوند روزی را برای هر کس بخواهد می گستراند!

۲) و آیا میدانند که الله روزیها را برای هر کس بخواهد گسترش می دهد!

۳) آیا و ندانسته اند که الله روزیهای خود را برای کسی می گستراند که بخواهد!

۴) آیا و نمی دانند که خدا برای کسی که از او بخواهد روزی خود را می گستراند!

«لَنفَكَّرَ عَنِ الْعَالَمِ وَمَا فِيهِ حَتَّىٰ نَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ مَا خُلِقَ بَاطِلًا، وَإِنْ لَمْ نُدْرِكْ كُلَّ دَلَائِلِ الْخَلْقَةِ!»: زبان ۱۴۰۰

۱) می بایست به دنیا و هر چه در آن است بیندیشیم زیرا آن بیهوده آفریده نشده، و حتی اگر چیزی از علل آفرینش را درنیابیم!

۲) ما درباره این عالم و آنچه در آن است خواهیم اندیشید زیرا بیهوده خلق نشده است، اگرچه نتوانیم همه علت‌های خلقت را درک کنیم!

۳) باید درباره جهان و آنچه در آن است بیندیشیم تا بدانیم که آن، باطل خلق نشده است اگر چه همه دلایل آفرینش را درک نکنیم!

۴) برای اندیشیدن به عالم و هر آنچه در اوست بایستی بدانیم که عالم باطل آفریده نشده، حتی در صورتیکه هیچیک از دلایل خلقت را نیافتیم!

«دَعِ مِنَ الذِّكْرِيَّاتِ مَا يُزَعِّجُ قَلْبَكَ وَيَجْعَلُكَ خَائِبًا، لِأَنَّهَا تَمْنَعُكَ مِنَ التَّقَدُّمِ!» خارج انسانی ۱۴۰۰

۱) فروگذار آنچه را که دلت را آزرده می سازد از خاطرات ناامید کننده، زیرا مانع پیشرفت تو می شود

۲) از خاطرات آنچه را که دلت را آزرده میکند و تو را ناامید می سازد رها کن، زیرا آنها تو را از پیشرفت باز می دارد!

۳) از خاطرات آنچه که قلبت را آزرده می سازد و ناامیدت می کند، ترک کند زیرا مانعی برای پیشرفت تو می شود!

۴) ترک کن آنچه را که قلبت را آزرده می کند و خاطراتی که ناامیدت می گرداند، زیرا تو را از پیشرفت بازمی دارد!

«لَيْسَ هُنَاكَ عَظْمٌ فِي اللِّسَانِ وَلَكِنَّهُ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَكْسِرَ الْقُلُوبَ اسْتِطَاعَةً، فَلَنُرَاقِبْ كَلَامَنَا!»: خارج انسانی ۱۴۰۰

۱) در زبان استخوانی وجود ندارد، ولی قطعاً می تواند دلها را بشکند، پس باید مواظب سخنانمان باشیم!

۲) در زبان استخوانی نیست، اما بخوبی توانائی شکستن قلبها را دارد، پس باید از سخنانمان مراقبت کنیم!

۳) استخوانی در زبان وجود ندارد، اما توانائی دارد قلب های دیگران را کاملاً بشکند، پس باید مراقب سخن گفتنمان باشیم!

۴) در هیچ زبانی استخوان نیست، ولی واقعا می توانند قلبها را بشکند، پس باید بخوبی از سخن گفتنمان مواظبت کنیم!

«مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْجَحَ فِي حَيَاتِهِ فَلْيَجْعَلِ السَّعْيَ صَدِيقَهُ الْحَمِيمَ وَ التَّجْرِبَةَ مُسْتَشَارَهُ الْحَكِيمَ!»: ریاضی ۹۹

۱) کسی که خواسته است در زندگیش پیروز شود، تلاش را دوستی گرم و صمیمی و تجربه را مشاوره حکیم برای خود قرار می دهد!

۲) هرکسی که می خواهد در زندگی خود موفق شود باید سعی کردن را دوستی صمیمی و تجربه کردن را مشاوره دانا قرار دهد!

۳) آنکه پیروزدن را در زندگیش خواسته است، دوست صمیمی اش را سعی کردن و مشاور دانا را تجربه قرار می دهد!

۴) هر کس بخواهد در زندگی خود موفق بشود، باید تلاش را دوست صمیمی و تجربه را مشاور خردمند خویش قرار دهد!

«يُحَدَّرُ مَنْ يَزِرُ العَدَاوَةَ مِنْ أَنَّهُ لَنْ يَحْصِدَ إِلَّا الخَسَارَةَ، فَلْيَنْتَبِه!»: انسانی خارج ۹۹

- ۱) به کسی که دشمنی می‌کارد هشدار داده می‌شود به اینکه او فقط خسارت درو خواهد کرد، پس باید آگاه باشد!
- ۲) به کسی که دشمنی را می‌کارد هشدار می‌دهیم به اینکه فقط خسارت درو خواهد کرد، پس باید او را آگاه کرد!
- ۳) به آنکه دشمنی را بکارد بیم داده می‌شود که درو نخواهد کرد جز زیان را، پس باید او را آگاه کرد!
- ۴) آنکه دشمنی بکارد بیمناک می‌شود که درو نمی‌کند مگر زیان را، پس باید متنبه باشد!

عین الصّحیح: انسانی خارج ۹۹

- ۱) (فَلْنَعْتَمِدْ عَلَى العَقْلَاءِ حَتَّى نَنْتَفِعَ بِعِلْمِهِمْ: ما باید فقط بر عاقلان اعتماد کنیم تا از علم آنان سود برده باشیم!
- ۲) (لِي زَمِيلٌ مُشْتَاقٌ كَثِيرًا لزيارة الحَرَمِينَ الشَّرِيفِينَ: دوست من سخت مشتاق زیارت حرمین شریفین می‌باشد!
- ۳) (مَنْ فَكَّرَ قَبْلَ أَنْ يَنْكَلِمَ ابْتَعَدَ عَنِ الخَطَا: کسی که قبل از اینکه سخن بگوید، فکر کرده باشد از خطا دور شده است!
- ۴) (عَلَى الوَالِدِينَ أَنْ لَا يُحْمَلَا أَوْلَادَهُمَا مَا لَيْسَ لَهُمْ طَاقَةٌ بِهِ: والدین باید بر فرزندانشان چیزی را که طاقتش را ندارند تحمیل نکنند!

عین الصّحیح: ریاضی ۹۸

- ۱) (إِمَّا مِنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، هُوَ اللهُ: کسی که نزاده و زاده نشده، فقط الله است!
- ۲) (جَاءَتِ الأُمُّ بِالحَبُوبِ الفَرَاخِهَا الصَّغِيرَةِ: مادر با دانه‌ها نزد جوجه‌های کوچک آمد!
- ۳) (يُنْفِقُونَ مِنْ أَحْسَنِ مَا يُحِبُّونَ أَكْثَرَ مِنْ قَبْلِ: با کمال میل از نیکوترین چیزی که دوست می‌دارند، انفاق می‌کنند!
- ۴) (عِنْدَ مَا يُلْقِي الخَطِيبُ مُحَاضِرَةً يُنصِتُ الحَضَارُ لَهُ: وقتی سخنران سخنرانی می‌کرد حاضران با سکوت به او گوش می‌کردند!

عین الخطأ: هنر ۱۴۰۰

- ۱) (كَبُرَ الطِّفْلُ إِلَى حَدِّ يَأْكُلُ طَعَامَهُ بَدُونَ مَسَاعِدَةِ أَحَدٍ: کودک به اندازه ای بزرگ شد که بدون کمک کسی غذایش را می‌خورد!
- ۲) (لِنَعُودَ لِسَانَنَا بِالكَلَامِ اللَّيِّنِ لِنَكْسِبَ مَوَدَّةَ النَّاسِ: زبانه‌مان باید به کلام نرم عادت کند، تا دوستی مردم را به دست آوریم!
- ۳) (اَللّهُمَّ لَكَ الحَمْدُ عَلَى مَا تَأْخُذُ وَ مَا تُعْطِي: پروردگارا، ستایش مخصوص تو است بر آنچه می‌گیری و آنچه میدهی!
- ۴) (هُنَاكَ نَوْعٌ مِنَ الدَّلَافِينِ يَبْقَى فِي المَاءِ ثَلَاثِينَ دَقِيقَةً مُتَوَاصِلَةً: نوعی از دلفینها وجود دارد که سی دقیقه متوالی در آب باقی می‌ماند!

عین الخطأ: اختصاصی ۱۴۰۰

- ۱) (لِنَجْتَنِبَ أَيَّ إِسَاءَةٍ، وَ هَذَا رِسَالَةُ الإِسْلَامِ: ما باید از هر بدی دوری کنیم، و این پیام اسلام است!
- ۲) (تَعَالَى لِنُؤَكِّدَ عَلَى الحَرِيَّةِ وَ عَلَى التَّعَايُشِ مَعًا: بیا تا بر آزادی و بر همزیستی با یکدیگر تأکید کنیم!
- ۳) (كَلَّمْنَا بِمَا لَدَيْنَا فَرِحُونَ، فَلِهَذَا لَأَنْفَكِرَ بِالتَّغْيِيرِ: ما به آنچه هستیم خوشحالیم، لذا هرگز به تغییر فکر نمی‌کنیم!
- ۴) (نَحْنُ خُمْسُ سَاكِنِي العَالَمِ، نَعِيشُ فَوْقَ هَذِهِ الأَرْضِ: ما یک پنجم ساکنان جهان هستیم که روی این زمین زندگی می‌کنیم!

با دوستانم سخن گفتم تا بدانند چگونه برایشان امکان دارد که در برنامه هایشان موفق شوند». عین الصّحیح: زبان ۱۴۰۰

- ۱) (تَحَدَّثْتُ مَعَ زَمَلَائِي حَتَّى يَعْلَمُوا كَيْفَ يُمْكِنُهُمُ النَّجَاحُ فِي البَرَامِجِ!
- ۲) (حَدَّثْتُ أَصْدِقَائِي لِيَفْهَمُوا كَيْفَ يَسْتَطِيعُونَ أَنَّهُمُ التَّقَدُّمُ فِي بَرَامِجِهِمْ!
- ۳) (تَكَلَّمْتُ مَعَ أَصْدِقَائِي لِيَعْلَمُوا كَيْفَ يُمْكِنُ لَهُمْ أَنْ يَنْجَحُوا فِي بَرَامِجِهِمْ!
- ۴) (كَلَّمْتُ زَمَلَائِي أَنْ يَفْهَمُوا كَيْفَ يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ أَنْ يَتَقَدَّمُوا فِي البَرَامِجِ!

«جوان دروغگو هنگامی که برای بار سوم دروغ گفت نزدیک بود غرق شود»: اختصاصی خارج ۱۴۰۰

- ۱ (الشابّ الَّذي كذب كاذب يغرق ما كذب ثلاث مرّات!
- ۲ (كاذب الشابّ الَّذي يكذب يغرق ما كذب للمرّة الثالثة!
- ۳ (كاذب الشابّ الكذاب يغرق عندما كذب للمرّة الثالثة!
- ۴ (لشابّة الكذاب كان قد غرق عندما كذب ثلاث مرّات!

عین الخطأ عن المفهوم: زبان ۱۴۰۰

- ۱ (القرض: المال الَّذي تأخذه من أحد و نُرجعه بعد مدّة!
- ۲ (الصّدقة: المال الَّذي لا نُقدّمه إلا إلى المحتاجين !
- ۳ (الأجر: المال الَّذي يعطى إلى العامل لعمله!
- ۴ (التّراث: المال الَّذي ورثه الوارث للآخرين!

عین ما ليس فيه من المتضاد: انسانی ۹۸

- ۱ (من يبدأ بضرب و شتم الآخرين فهو الأظلم!
- ۲ (إنَّ الأحمق إن أراد أن ينفع أحداً فهو يضره!
- ۳ (الكذاب يبعّد علينا القريب و يقرب علينا البعيد!
- ۴ (الألف من الأصدقاء قليل و الواحد من الأعداء كثير!

عین ما فيه لام الأمر: ریاضی ۱۴۰۰

- ۱ (عند مشاهدة آثار قدرة الله ليخشع القلب!
- ۲ (ساعد أصدقاءك ليخرجوا من مشاكلهم بسهولة!
- ۳ (يجب على الإنسان كثير من المحاولات ليصلح نفسه!
- ۴ (ذهب صديقي إلى متجر آخر ليشتري سروالاً أرخص!

عین ما فيه الام الأمر: زبان ۱۴۰۰

- ۱ (أنار الله قلبنا بالعلوم النّافعة لنذكره!
- ۲ (تطلّق سمكة السهم قطرات الماء لتسقط الحشرة!
- ۳ (جلسنا أمام التلفاز لنشاهد فلماً رائعاً!
- ۴ (إن فراخ « برناكل » لتسقط و إلا لاتتعلم الطيران!

عین معني حرف اللام يختلف عن الباقي في فعل «لننتبه»: اختصاصی ۱۴۰۰

- ۱ (إن نقصد أن نسيح في الماء فلننتبه إلى عمقه!
- ۲ (تكلم أبي معنا لننتبه إلى الخطرات التي أمامنا!
- ۳ (لننتبه حتى نشاهد جمال الطبيعة في كلّ شيء!
- ۴ (إن الامتحانات قريبة فلننتبه إلى فرصنا القليلة!

عین « اللام » تختلف (في المعنى): اختصاصی خارج ۱۴۰۰

۱ () إن نطلب أن نتعلم العلم فلنجالس المتفهمين!

۲ () نحتاج إلى التراب و السماد لينمو الورد!

۳ () ليشجع المتفرجون اللاعبين في المسابقات !

۴ () إن المؤمنين ليأكلوا المساكين مما يأكلون!

عین ما لیس فيه المعادل للمضارع الاتزامی الفارسی: هنر ۹۹

۱ () يحذر الشرطي المسافرين ألا يقتربوا من الأماكن الخطرة!

۲ () يا أصدقاء؛ يجب أن تكونوا من المتوكلين حتى لا تيأسوا!

۳ () يا أيها الأطفال؛ لا تقربوا من هذه الحفرة لأنها خطيرة!

۴ () يجتمع التلاميذ مع معلمهم يوماً ليتعلموا العلم!

عین ما فيه طلب للقيام بالعمل: تجرّبی ۹۸

۱ () ليذهبوا إلى المدرسة!

۲ () قاموا ليذهبوا إلى المدرسة!

۳ () لهم إما الذهاب إلى المدرسة و إما البقاء فيها!

۴ () هم اجتمعوا للذهاب إلى المدرسة قبل فوات الفرصة!

عین ما فيه النهي عن القيام بالعمل: خارج ۹۸

۱ () لا نجاح و لا فوز لمن يريدهما بلا جهد و عمل!

۲ () لا حيلة لنا إلا التمسك بالعمل و الالتزام بالعهود!

۳ () لا تبغون بأقوالكم آمالكم، فإنّ الهمة دواؤكم!

۴ () لا تغتروا بكم لديكم، فرمّا يزول في لحظة!

عین الخطأ في صيغة المضارع: خارج ۹۸

۱ () رأيت زملائي ما يوسين فقلت لهم لا تيأسون من رحمة الله!

۲ () تكلمت مع أصدقاؤني ليعلموا كيف يمكن لهم أن ينجحوا في برامجهم!

۳ () إنهم خرجوا من دارهم ليذهبوا إلى المدرسة و أنتم لم تخرجوا حتى الآن!

۴ () أنهن خرج من دارهن كي يذهبن إلى المدرسة و أنتن لم تخرجن حتى الآن!

عین ما لیس فيه التأكيد على وقوع الفعل: اختصاصی خارج ۹۸

۱ () لا تحزنون لما فات منكم!

۲ () لا تجلسن كثيراً فالرياضة مفيدة لك!

۳ () لقد قرأنا ما هو مفيد لنا الحياة!

۴ () لسمعوا كلامي حتى لا يقعوا في الهلاكة!

«من في الحياة، ف على الله!». عَيْنُ الْخَطِّ لِلْفَرَاعِينِ: هنر ۹۸

(۱) أرادت أن تفوز/ لتتوكل

(۲) يُحِبُّ أن ينجح/ ليتوكل

(۳) تُحِبُّ أن تنجح/ عليها أن تتوكل

(۴) أراد أن يفوز/ عليه أن يتوكل

درس ۷

﴿و اذكروا نعمة الله عليكم إذ كنتم أعداء فألف بين قلوبكم﴾: هنر ۱۴۰۰

(۱) نعمت خداوند را خودتان یاد کنید زمانی که دشمنان همدیگر بودید سپس قلبهایتان را انس و الفت داد!

(۲) نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که دشمنان یکدیگر بودید پس بین دلهایتان انس و الفت قرار داد!

(۳) نعمت الله را به یاد آورید آنگاه که با یکدیگر دشمنی داشتید و قلبهایتان را نسبت به هم نزدیک کرد!

(۴) نعمت الله را بر خویشتان یادآوری کنید موقعی که دشمن بودید و دلهایتان را به یکدیگر نزدیک کرد!

«من ملاً حياته بعمل الخير، كان يعلم أنها أقصر من أن يضعها بعمل الشر!»: هنر ۱۴۰۰

(۱) هر آن کس بداند که زندگی کوتاهتر از آن است که با عمل بد ضایع شود، آن را با عمل خوب پر می کند!

(۲) هرکس زندگیش با عمل خوب پر شده است، می دانسته که زندگی کوتاهتر است از اینکه با عمل بد هدر رود!

(۳) کسی که زندگی خود را با کار خوب پر کرده است، می دانسته که زندگی کوتاهتر از این است که آن را با کار بد تباهش کند!

(۴) آن کسی که زندگیش را پر از عمل خوب کرده باشد، دانسته که زندگی کوتاهتر است از آنکه بتواند با عمل بد نابود شود!

«المفردات بين لغات العالم لم تَبَدَل في سنة واحدة بل قد حدث هذا التبادل أثناء سنوات كثيرة و بهذا أصبحت اللغات غنية!»: کلمات در بین زبانهای دنیا هنر ۱۴۰۰

(۱) در یک سال رد و بدل نشد بلکه این تبادل در طول سالهای زیادی رخ داده است، و بدین ترتیب زبانها غنی شدند!

(۲) سالی یکبار تبادل نمی شدند بلکه این تبادل طی سالهای زیادی اتفاق می افتاد، و زبانها اینگونه توانمند می شدند!

(۳) یکبار در سال تغییر نمی کردند بلکه این تغییر در مدت سالهای بسیار اتفاق افتاده است، و بدین صورت زبانها بی نیاز می شدند!

(۴) در یک سال رد و بدل نشده اند، بلکه رخداد تبادل در اثناء سالهای زیادی بوده و به این صورت زبانها سرشار از توانایی شدند!

«إن ذهبنا من نفس الطريق الذي كنا نذهب منه من قبل، وصلنا إلى ذلك المكان الذي كنا نصل إليه دائماً!»: ریاضی ۱۴۰۰

(۱) اگر از راهی برویم که همیشه می رفتیم، به آن مکانی می رسیم که قبلاً رسیده ایم!

(۲) اگر از راهی رفتیم که قبلاً رفته بودیم، به همان محلی که دائماً می رسیدیم رسیده ایم!

(۳) اگر از همان راهی رفتیم که دائماً رفته بودیم، به آن محلی که همیشه می رسیدیم، می رسیم!

(۴) اگر از همان راهی برویم که از قبل می رفتیم، به همان مکانی می رسیم که همیشه می رسیدیم!

«قَدَّم لي صديقي هدية في الحكمة و الموعدة كانت قيمة، و أرشدتني إلى سبيل الخير!»: انسانی ۱۴۰۰

(۱) هدیه ای را که دوستم از حکمت و موعظه ای ارزشمند به من داد مرا به راه خیر هدایت می نماید!

(۲) دوستم به من حکمت و موعظه ای هدیه داد که ارزشمند است، و مرا به خوبترین راه هدایت می کند!

(۳) هدیه ای که دوستم از حکمت و پند به من داد ارزشمند بود، و مرا به سمت بهترین راهها هدایت کرد!

(۴) دوستم هدیه ای در زمینه حکمت و پند به من تقدیم کرد که ارزشمند بود، و مرا بسوی راه خیر هدایت نمود!

«إذا كنت واثقاً بنفسك فإنك تستطيع أن تُشجع الآخرين على أن يكونوا واثقين بأنفسهم!»: تجربی ۱۴۰۰

۱) هرگاه به خود اعتماد کنی، تو می توانی دیگران را به اینکه از خود مطمئن باشند، تشویق کنی!

۲) اگر به خود اعتماد داشته باشی، می توانی دیگران را تشویق کنی به اینکه به خود اعتماد داشته باشند!

۳) زمانی که به خود اطمینان داشته باشی، دیگران را به این که به خود با اعتماد باشند، ترغیب می کنی!

۴) اگر از نفس خود مطمئن باشی، دیگران را ترغیب به این می کنی که به نفسهای خودشان اطمینان داشته باشند!

«صديقك هو الشخص الذي يعرف نغمات قلبك و يستطيع أن يُغنيها لك إن كنت نسيت كلماتها!»: زبان ۱۴۰۰

۱) دوستت همان کس است که آوازه‌های قلب تو را می دانست و هرگاه کلمات آن فراموش شد دوباره برایت می خواند!

۲) دوستت کسی است که نغمه های قلبت را بداند و بتواند آن را برایت دوباره بخواند هر زمان که کلماتش را فراموش کرده باشی!

۳) دوست تو است آن کسی که آوازه‌های قلبت را می شناسد و می تواند آن را بخاطر تو بخواند آنگاه که کلماتت را و فراموش کرده ای!

۴) دوست تو همان کسی است که نغمه های قلب تو را می شناسد و می تواند آن را برای تو بخواند اگر کلمات آن را فراموش کرده باشی!

« كان رجالٌ هاتين القبيلتين يَنْهونُ أموالَ النَّاسِ من طريق ذلك المضيقِ حتَّى أُغلقَ بسدِّ عظيمٍ من الحديدِ و النَّحاسِ المذابِ»: ریاضی ۱۴۰۰

۱) مردان این دو قبیله اموال مردم را از راه آن تنگه به یغما می بردند تا اینکه با سدّ بزرگی از آهن و مس ذوب شده، بسته شد!

۲) مردان آن دو قبیله اموال مردمان را از طریق این تنگه غارت کردند تا اینکه بوسیله سدّ بزرگی از آهن و مس مذاب بسته شد!

۳) بزرگان این دو قبیله دارائیهای مردم را از راه آن تنگه به یغما می برند تا اینکه با سدّی بزرگ از مس و آهن آب شده بسته شود!

۴) بزرگان آن دو قبیله دارائیهای مردمان را از طریق آن تنگه غارت می کردند تا اینکه بوسیله سدّی بزرگ از مس و آهن آن را بستند!

« كثير من اختراعات الإنسان الحديثة ليست في مجال الإعمار و البناء، لأنّه لم يستفد من جانبها النّافع!»: انسانی خارج ۱۴۰۰

۱) بسیاری از اختراعات انسان در زمینه آباد کردن و ساختن، جدید نیست زیرا او از جنبه مفید آن استفاده نمی کند!

۲) تعداد زیادی از اختراعات انسان در بخش آبادسازی و ساختمان بکار نرفته است، زیرا او از جنبه سودمند آن بهره نمی برد!

۳) بسیاری از اختراعات جدید انسان در زمینه آبادانی و ساخت نیست، زیرا او از قسمت مفید آنها استفاده نکرده است!

۴) تعداد زیادی از اختراعات جدید انسان در زمره آبادانی و ساختمان نمی باشد، بخاطر اینکه از بخش مفید آن بهره برداری نشده است!

«عامل الناس مثلما تحبّ أن يُعاملوك، و لا تكن ذا وجهين!»: زبان ۹۹

۱) با مردم آنطور رفتار کن که دوست داری با تو رفتار کنند، و دورو مباش!

۲) طوری با مردمان معامله نمای که دوست داری با تو دادوستد شود، پس دوچهره نباش!

۳) با مردم همانطور معامله کنی که دوست داشته‌اید با شما عمل کنند، پس از دورویان نباشید!

۴) به گونه‌ای با مردم رفتار کنی که دوست می‌دارید با شما رفتار شود، و دارای دو چهره نباشید!

«بعضُ اختراعاتِ الإنسان ليست في مجال الإعمار و البناء لأنّه لم يستطع أن يُدرِك ماذا ينفعه و ماذا يضرّه!»: بعضی از اختراعات انسان .. انسانی ۹۹

۱) در جهت آبادکردن و ساختن نمی‌باشد، زیرا او قادر نیست آنچه را سود می‌رساند و آنچه را زیان می‌بخشد بشناسد!

۲) در زمینه آبادانی و سازندگی نیست، زیرا او نتوانسته است درک کند چه چیزی به او سود می‌رساند و چه چیزی ضرر می‌رساند!

۳) در عرصه آبادانی و ساخت‌وساز نیست، از آنجا که قادر به درک چیزی که برایش سودبخش است و آنچه زیان‌بخش است نمی‌باشد!

۴) در مسیر آبادشدن و سازنده‌بودن نمی‌باشد، از این جهت که او نتوانسته است چیزی که به او سود می‌رساند یا زیان می‌زند را بفهمد!

«هناك مفرداتٌ في كلّ لغةٍ قد دخلت فيها من اللّغات الأخرى و قد أصبحت كلمات لها معانٍ جديدة!»: هنر ۹۹

۱) در هر زبان لغتهایی است که از دیگر زبانها در آن وارد شده، و معانی جدیدی برای آن ایجاد کرده است!

۲) واژه‌هایی در هر زبان موجود است که از دیگر زبانها داخل آن شده و معانی جدیدی بر آن افزوده است!

۳) در هر زبانی کلماتی وجود دارد که از زبانهای دیگر وارد آن شده و واژگانی با معانی جدید شده‌اند!

۴) کلماتی در هر زبانی وجود دارد که از زبانهای دیگر داخل آن شده، و معانی دیگری یافته است!

«يكون للكتاب و قراءة الكتب دور مهم في ازدياد المعرفة و قوة الفهم، و ربما يُغيّر أسلوب الحياة!»: هنر ۹۸

۱) کتاب و کتاب خواندن نقشی مهم در ازدیاد شناخت و قوه درک دارد و باعث تغییرات در روش زندگی می‌شود!

۲) برای کتاب و کتاب‌خوانی نقش مهمی است در زیادی معرفت و نیروی فهم و بسا که با آن روش زندگی تغییر کند!

۳) برای کتاب و کتاب خواندن نقشی مهم در ازدیاد معرفت و قوه درک است و چه بسا روشهای زندگی را تغییر دهد!

۴) کتاب و کتاب خوانی نقش مهمی در زیاد شدن شناخت و نیروی فهم دارد، و چه بسا روش زندگی را تغییر دهد!

« طلبت أمنا من المنظفين أن ينظفوا هذه الغرف جيداً فنظفوها و صارت الغرف نظيفة!»: زبان ۹۸

۱) مادرمان از نظافت‌کنندگان خواست که آن اتاق را خوب تمیز کنند، وقتی آن را نظافت کردند، تمیز شد!

۲) مادر ما از نظافتچی‌ها درخواست کرد که این اتاقها را برای اینکه تمیز شود، نظافت کنند، و اتاقها نظیف شد!

۳) مادرمان، از نظافتچی‌ها خواست که این اتاقها را خوب نظافت کنند، پس آنها را نظافت کردند، و اتاقها تمیز شد!

۴) مادر ما از کسانی که نظافت می‌کنند درخواست کرد که این اتاق را نظافت کنند، آنها هم پس از این که آن را تمیز کردند، اتاق نظیف شد!

«لما نقلت لصديقي الخبر الذي كنت أسمعته دائماً، قال لي: إني كنت قد سمعت هذا الخبر مراراً قبل هذا!»: زبان ۹۸

۱) آنگاه که به دوستم گفتم این خبر را پیوسته می‌شنوم، او به من گفت: من همین خبر را بارها پیش از این شنیده بودم!

۲) وقتی خبری را که دائماً می‌شنیدم برای دوستم نقل کردم، به من گفت: من این خبر را قبل از این بارها شنیده بودم!

۳) هنگامی که این خبر را که مرتباً می‌شنیدم برای دوستم گفتم، او به من گفت: من نیز همین خبر را پیش از این به دفعات شنیده‌ام!

۴) زمانی که داشتم برای دوستم خبری را که بارها شنیده بودم نقل می‌کردم، به من گفت: من هم این خبر را قبل از این به دفعات شنیده‌ام!

« إنها كانت من أشهر مستشرفي القرن العاشر الهجري، و كانت تقدر أن تلقى محاضراتها العلمية بأكثر من خمس لغات عالمية!»: خارج ۹۸

۱) همانا او مشهورترین خاورشناس در قرن دهم هجری بود، و قادر بود به بیش از پنج زبان جهانی سخنرانی علمی ایراد کند!

۲) وی حقیقتاً مشهورترین خاورشناس سده دهم هجرت بوده که به بیش از پنج زبان بین‌المللی می‌توانست سخنرانی علمی کند!

۳) وی بی‌گمان از مستشرقان مشهور در سده دهم هجرت بود، و قدرت داشت به بیش از پنج زبان در جهان سخنرانیهای علمی کند!

۴) قطعاً او از مشهورترین مستشرقان قرن دهم هجری بود، و می‌توانست سخنرانیهای علمی خود را به بیش از پنج زبان بین‌المللی ایراد کند!

«الاستفادة من الجوال ليست مسموحة في حصة الامتحان!»: تجربی ۹۸

۱) استفاده از تلفن همراه در جلسه امتحان مجاز نیست!

۲) به کار بردن گوشی همراه در جلسات امتحان منعی ندارد!

۳) آوردن تلفن همراه در جلسه امتحانات مانعی ندارد!

۴) از گوشی همراه استفاده کردن در جلسه امتحان مجاز است!

«هناك كلمات تجرّي على أقلام بعض الشعراء لأول مرة تدلّ على مفاهيم جديدة لم يكن يعرفها الآخرون!»: ریاضی ۹۸

- ۱) (کلماتی وجود دارند که برای بار اول بر قلم‌های بعضی از شاعران جاری می‌شوند در حالی که بر مفهوم جدیدی که دیگران آنها را نمی‌شناسند، دلالت دارد!
- ۲) (وجود دارد کلماتی که بعضی از شعرا برای اولین مرتبه بر قلم‌های خود جاری می‌کنند که بر مفاهیمی جدید دلالت می‌کند که آن را دیگران نمی‌شناختند!
- ۳) (آنجا، کلماتی است که بعضی شاعران اولین مرتبه، بر قلم‌هایشان جاری می‌کنند و بر مفهوم جدید که دیگران آنها را نمی‌شناخته‌اند دلالت دارد!
- ۴) (کلماتی هستند که بر قلم های بعضی شعرا برای اولین بار جاری می‌شوند که بر مفاهیم جدیدی دلالت می‌کنند که دیگران، آنها را نمی‌شناختند!

- «مَا رَأَى الطَّيِّبُ إِتَى مَصَابٍ بِالزَّكَامِ الشَّدِيدِ وَ أَيْضاً عِنْدِي حُمَّى شَدِيدَةً، كَتَبَ لِي وَصْفَةً تَحْتَوِي عَلَى مِقْدَارٍ مِنَ الشَّرَابِ وَ حَبُوبٍ مَسْكُونَةٍ!»: نجریبی ۹۸
- ۱) وقتی پزشک مرا دید که به زکام و تب شدید گرفتار شده‌ام، نسخه‌ای را که برایم نوشت محتوی مقداری شربت و قرص‌های مسکن بود!
- ۲) (پزشک وقتی دید من دچار زکام شدید هستم و نیز تب شدیدی دارم، نسخه‌ای برایم نوشت که محتوی مقداری شربت و قرص‌هایی مسکن بود!
- ۳) (طیب چون دید مبتلا به سرماخوردگی سخت و تب شدید هستم، برایم نسخه‌ای نوشت که در آن شربتی بود و تعدادی قرص مسکن!
- ۴) (چون طیب دچار شدن مرا به سرماخوردگی شدید و نیز تب بالا دید، نسخه را برایم نوشت که آن شامل مقداری از شربت بود و قرص‌هایی مسکن!

«لِي الْآنَ مَكْتَبَةٌ كَبِيرَةٌ، وَ مَا كَانَ لِي قَبْلَ هَذَا أَكْثَرَ مِنْ مَائَةِ كِتَابٍ!»: انسانی ۹۸

- ۱) فعلاً کتابخانه‌ای بزرگ دارم، ولی پیش از این فقط یکصد کتاب داشتم!
- ۲) کتابخانه من در حال حاضر بزرگ است، ولی قبلاً بیش از صد کتاب نداشت!
- ۳) اکنون کتابخانه بزرگی دارم، و حال اینکه قبل از این بیش از یکصد کتاب نداشتم!
- ۴) کتابخانه‌ای در حال حاضر دارم که بزرگ است، اما پیش از این بیشتر از صد کتاب نداشت!

«إِنَّ الْإِنْسَانَ الَّذِي يَجِدُ طَعَامًا مَنَاسِبًا لِفِكْرِهِ سَتُصْبِحَ قَدْرَتُهُ لِلْفَهْمِ وَ الْعَمَلِ أَكْثَرَ!»: انسانی ۹۸

- ۱) انسانی که غذای مفیدی را برای اندیشه خود بیابد نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر شده است!
- ۲) (انسانی که غذای مناسبی برای فکر خود می‌یابد نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر خواهد شد!
- ۳) اگر انسان غذای مناسبی را برای اندیشه خود بیابد نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر خواهد شد!
- ۴) انسان کسی است که غذای مفیدی را برای فکر خود یافته و نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر شده است!
- «قَرَأْتُ كِتَابًا مَوْئَلَهُ لَمْ يَكُنْ قَادِرًا عَلَى تَحْرِيكِ يَدِهِ وَلَكِنَّهُ يَرْسُمُ وَ يَنْشُدُ وَ يُؤَلِّفُ!»: کتابی خواندم که اختصاصی ۹۸

- ۱) مؤلفش قادر نبود دستش را حرکت دهد ولی نقاشی هم می‌کرد و شعر می‌سرود و تألیف می‌کرد!
- ۲) (نویسنده آن قادر به حرکت دادن دستش نبود ولیکن نقاشی می‌کرد و شعر می‌سرود و تألیف می‌کرد!
- ۳) نویسنده اش توان حرکت دادن دست خود را ندارد ولی نقاشی می‌کند و شعر می‌سراید و تألیف می‌کند!
- ۴) (مؤلف آن نمی‌توانست دست خویش را حرکت دهد ولیکن نقاشی هم می‌کند و شعر می‌سراید و تألیف می‌کند!

«لَا يَزَالُ الْمَرْءُ يُعْتَبَرُ عَالِمًا مَادَامَ يَكُونُ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ، فَإِذَا ظَنَّ أَنَّهُ أَصْبَحَ عَالِمًا فَقَدْ بَدَأَ جَهْلُهُ!»: اختصاصی خارج ۹۹

- ۱) انسانی که مادام در طلب علم باشد دانا است، پس هرگاه گمان کند که عالم است، جهل او آغاز شده!
- ۲) همیشه انسان دانا است تا وقتی که در طلب علم می‌باشد، هر وقت گمان کرد که حتماً دانا است، جهل او آغاز می‌شود!
- ۳) (انسان همچنان عالم محسوب می‌شود مادامی که در طلب علم باشد، اما هرگاه گمان کند که دانا شده است، قطعاً جهل او آغاز شده!
- ۴) پیوسته انسان عالم است مادامی که در پی کسب علم می‌باشد، پس وقتی گمان کند که بسیار دانسته، جهلش قطعاً شروع می‌شود!

۱) **حاوت زمیلتی أن تغلق باب حافلة المدرسة،: همشاگردیم تلاش کرد که در اتوبوس مدرسه را ببندد،**

- ۲) (ولكن الباب لم يغلق و أخذت الحافلة تسير بسرعة: ولی درب بسته نشد و اتوبوس می خواست بسرعت حرکت کند،
 ۳) (تغلب الخوف على الآتي ممن قد جلسن على الكراسي الأمامية: کسانی را که در جلو صندلیها نشسته بودند ترس فرا گرفت،
 ۴) (لأن السائق لم يكن جالساً على كرسية الخاص في السيارة!: زیرا راننده اتوبوس هنوز در جای خود ننشسته بود!

عین الصحیح: هنر ۹۸

- ۱) (من هو صادق في كلامه فإنه يعد من المحسنين: هر کس در سخن خود صادق باشد خود را از نیکوکاران به شمار خواهد آورد!
 ۲) (ليس المظلومون متحدين في العالم فهذا يعيشون تحت الظلم: مظلومان جهان متحد نیستند لذا زیر بار ستم بسر می‌برند!
 ۳) (إن هولاء ناجون في حياتهم لأنهم لا يضيعون أوقاتهم: این ها در زندگی موفق هستند لذا اوقات خود را تباه نمی‌کنند!
 ۴) (إذا توقعت النجاح فلا تيأس من الحصول عليه: هرگاه انتظار موفقیت داشتی از بدست آوردن آن مأیوس مشو!

عین الخطأ: زبان ۱۴۰۰

- ۱) (أمطر الله مطراً في بلدنا أمس،: دیروز خدا در شهر ما بارانی باراند،
 ۲) (ما كان المطر كثيراً ليصير سيلاً،: باران زیادی نبود که سیل بشود،
 ۳) (و لا قليلاً حتى لا ينبت ما قد فات،: و نه کم که آنچه از دست رفته بود نروید،
 ۴) (و بكثرته ازدادت النعم علينا!،: و با فراوانیش نعمتها بر ما فزونی یافت!

عین الخطأ: اختصاصی خارج ۱۴۰۰

- ۱) (إذا أردنا أن لا نتعب من المصائب،: هرگاه بخواهیم که از مصیبتها خسته نشویم،
 ۲) (فلنقبل أن لا نحزن أنفسنا بالمشاكل الجزئية،: باید بپذیریم که دروتمان با مشکلات جزئی ناراحت نشود،
 ۳) (و كل مشاكل الدنيا للإنسان الذي جزئية حقاً،: و همه مشکلات دنیا برای انسان باهوش واقعا جزئی است،
 ۴) (إن كنا من العقلاء لا نصبح منزعجين أبداً!،: اگر از عاقلان باشیم هرگز آزرده نمی شویم!

عین الصحیح: هنر ۹۸

- ۱) (من هو صادق في كلامه فإنه يعد من المحسنين: هر کس در سخن خود صادق باشد خود را از نیکوکاران به شمار خواهد آورد!
 ۲) (ليس المظلومون متحدين في العالم فهذا يعيشون تحت الظلم: مظلومان جهان متحد نیستند لذا زیر بار ستم بسر می‌برند!
 ۳) (إن هولاء ناجون في حياتهم لأنهم لا يضيعون أوقاتهم: این ها در زندگی موفق هستند لذا اوقات خود را تباه نمی‌کنند!
 ۴) (إذا توقعت النجاح فلا تيأس من الحصول عليه: هرگاه انتظار موفقیت داشتی از بدست آوردن آن مأیوس مشو!

عین الخطأ: انسانی ۹۸

- ۱) (كنت فرحت من أن الحسنات تُذهبن السيئات: از این که خوبی‌ها، بدی‌ها را از بین می‌برد، شاد شده بودم!
 ۲) (كادت بنتي تجهر بغضبها عند الضيوف لما نصحتها: وقتی دخترم را نزد مهمانان نصیحت کردم نزدیک بود خشمش را آشکار کند!
 ۳) (كُن ساكناً و راقب أن لا يجري على لسانك ما ليس لك به علم: ساکت باش و مراقب باش که بر زبانت چیزی که بدان علم نداری، جاری نشود!
 ۴) (لما بدأت بأن تعيب الآخرين ا علم أن ذلك نفسه من أكبر العيوب: وقتی شروع به عیب‌گیری از دیگران کردی، بدان که آن خودش از بزرگترین عیب‌هاست!

عین الخطأ: اختصاصی خارج ۹۸

- ۱) هل عملت حتى الآن عملاً يُثير إعجاب الآخرين: آیا تاکنون کاری انجام داده‌ای که تحسین دیگران را برانگیزد.
- ۲) هناك معوّقون يعملون أعمالاً عجيبه و هم يواجهون مشاكل: معلولانی وجود دارند که با وجود روبرو شدن با مشکلات کارهای عجیبی انجام داده‌اند!
- ۳) إنّ الطفل الذي صار أعمى تظنّ أنّه لم يقدر أن يعمل عملاً: کودکی که کور شده گمان می‌کنی که نخواهد توانست کاری انجام دهد.
- ۴) ولکننا عندنا عمّی قد حصلوا علی جوائز کبیره: ولیکن ما نابینایانی داریم که جایزه‌های بزرگی را به‌دست آورده‌اند!

عین الخطأ عن «اللوحه»: انسانی ۹۹

۱) تُمارس الدروس علیها!

۲) نکتب علیها أخباراً عامّة

۳) لا نجدها إلاّ کبیره و بألوان مختلفه!

۴) نرسم علیها إشارات المرور و الصّور الجمیلة!

عین ما لیس معادل للماضی الاستمراری فی الفارسیة: تجربی ۱۴۰۰

۱) كان التلاميذ یقذفون الكرة حتى تدخل المرمی!

۲) كان ذلك الكتاب یضمّ الكلمات الفارسیة و العربیة!

۳) كان أبی یأمرنی بمداراة الناس كما یأمرنی بأداء الفرائض!

۴) كان طعم البرتقال الذي ینبت فی شمال ایران لذیذاً!

عین خبر «کان» مختلفاً: اختصاصی خارج ۱۴۰۰

۱) كان الطالب یتکلم مع أصدقائه حول برنامج سفرتهم العلمیة!

۲) كان الإنسان یتستفید من الدینامیت لتسهیل أعماله الصّعبة!

۳) كان التلاميذ یقذفون الكرة حتى تدخل المرمی!

۴) كان الفستق الذي ینتج فی کرمان لذیذاً!

عین الفعل الناقص لا یدلّ علی الزّمن الماضي: انسانی ۹۸

۱) كانت لها ثقافه طیبه!

۲) كان الدّرس ملیئاً بالسّوال!

۳) كانت الأرض فی الربیع مخضرة!

۴) كان لهم خلق طیب فی الحیاة!